

آفتاب اندرون خانه وما

در بدر می رویم ذره مثال

طریفة: قيل ربما يستبطن من الحديث المنقول عن مولانا الصادق عليه السلام ان بيوت الانبياء و اولاد الانبياء لا يدخلها الجنب عدم جواز دخول الجنب في مقابر ذرية الرسول عليه السلام.

طریفة: عن ابي عبدالله عليه السلام ان الله تبارك و تعالى جعل الشهوة عشرة اجزاء تسعة منها في النساء و واحدة في الرجال و لولا جعل الله تعالى فيهن من اجزاء الحياء على قدر اجزاء الشهوة لكان لكل رجل نسوة متعلقت به (۳۲). بعضی از علماء می فرمایند باید در ظاهر امر عکس مفاد حدیث متصور شود بجهت آنکه چون چون به هر زنی نه شهوت عطا شده پس بایست یک زن به نه مرد متعلق شود و در حل این حدیث و جوهری گفته شده مثل فرض نمودن آنکه نه زن و نه مرد بوده باشند در مجلس خاص و هر یک از زنان خواهند خود را بنه مرد برسانند تا تعلق هر یک به نه مرد تحقق یابد و مثل خواندن تسع بضم تاء و مثل حمل بر مبالغه و تشبیه حالت شهوتیه و احده زن را در حین مقاربت به نه حالت از شدت شبق و شهوت و ظاهر آن است که مراد بیان حرص ایشان باشد بر تعلق بمردان با فرض مشروعیت آن تعلق و این فرض در فرض عکس متصور نمی شود فانهم.

طریفة: گویند سوره «آلم نَسْرَح» به جهت تسخیر ملوک سه بار بخوانند و از برای روشنائی چشم بیست و یکبار و مداومت بر سوره کوثر از برای دفع دشمن انبوه که مخدول خواهد شد انشاء الله تعالی و خواندن سوره النصر از برای ایمن بودن از بلاهای ناگهانی هر روز هفت بار و دفع دشمن و ظفر یافتن بر او و سرفرازی در میان خلق مفید است انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند اگر سه بار آیه الكرسي بر آب خواند و روی خود را بشوید و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت حمد یکبار و آیه الكرسي یکبار بخواند هر مراد داشته باشد حاصل گردد انشاء الله تعالی و اگر پیش بزرگی رود محترم گردد و هر که آیه الكرسي را بنویسد و بر بازوی خود بنهد به هر جا رود عزیز و محترم باشد و اگر بانار شیرین بدمد قبل از چهار ماه و بحامل دهد قبل از چهار ماه فرزندش پسر شود.

طریفة: منقول است از شیخ زین الدین که هر که حروف بُدُو ح را با انگشت سبابه بر پیشانی خود نویسد بشرطیکه با وضو باشد و هفت مرتبه بخواند «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» (۳۵) لا يراه احد الا يجيبه و يطيعه.

طریفة: گویند هرگاه خراسته باشی کسی را دوست خود گردانی باید اسم او را ملاحظه کنی که چند حرف است و در ازای هر حرفی از اسم او یک اسم از اسماء الله تعالی که اولش همان حرف باشد پیدا کرده در یوم پنجشنبه یا چهارشنبه در مرتعی بنظم طبیعی ثبت کنی و با خود داری که بسیار مجرب است. مثلاً احمد نامی را اگر بخواهی دوست شود چهار اسم که الله و حبیب و مقیم و دیان باشد مناسب حروف اوست مثل این شکل.

الله	حبیب	مقیم	دیان
مقیم	دیان	الله	حبیب
دیان	مقیم	حبیب	الله
حبیب	الله	دیان	مقیم

طریفة: گویند هر که این نام را بر سفال آب ندیده بنام کسی که غائب باشد بنویسد حاضر شود (یا مالینوش).

طریفة: گویند برای دفع کبک و پشه و مگس مقداری فلفل و صابون و خرما دود کند دفع شود انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند هرگاه کسی باعتقاد درست متوجه این ختم عظیم الشان بشود تا سه یوم و طریق او این است که یکبار آیه الکرسی مع احوذ بالله و بِسْمِ اللّٰهِ و یکبار حمد مع سورة و پنج بار قل هو الله مع بسم الله و یازده بار سورة کوثر و صد صلوات بفرستد تا سه روز انشاء الله تعالی مراد او حاصل شود و ثواب ختم را بروح چهار پیغمبر که آدم صلی الله و ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و محمد حبیب الله ﷺ فرستد.

طریفة: گویند به جهت دزد برده دو رکعت نماز بنیت برگشتن مال بجای آورد و بعد از آن بطرف بمین هفتاد بار و یسار هفتاد بار و عقب سر هفتاد بار ایستاده بگوید «یا مُعید» و بعد بگوید «رُدُّ عَلَیَّ ضَالَّتِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» و مجرب است انشاء الله تعالی.

طریفة:

أَنْتَ لَبَّ أَنْ تَكُونَ كَثِيرَ مَالٍ وَ يَسْمَعُ مِنْكَ قَوْلَكَ فِي الْمَقَالِ
فَلْ يَا حَيَّ يَا قَيُّوْمَ اَلْمَا تَكَلَّمَهُ عَلَيَّ مَرَّ اللَّيَالِي

طریفة: از شیخ شهاب الدین سهروردی منقول است که هر که هر صبح این دعاء را بخواند اگر عمر او بصد سال نرسد روز قیامت چنگ او در دامن من باشد: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مَحْبُوْبًا فِي قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ بَلِّغْنِي اِلَى مِاَةِ وَ عَشْرِيْنَ سَنَةً اَنْتَ اللّٰهُ خَيْرُ حَافِظًا وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ».

طریفة: گویند هر که هر صبح دوازده بار بخواند به مراد رسد: «یا صمدی مِنْ

عِنْدِكَ مَدَدِي وَ عَلَيَّكَ مُعْتَمِدِي اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ».

طریفة: گویند اگر خواهی $\frac{1}{4}$ $\frac{1}{5}$ $\frac{1}{6}$ $\frac{1}{7}$ $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{9}$ $\frac{1}{10}$ $\frac{1}{11}$ $\frac{1}{12}$ $\frac{1}{13}$ $\frac{1}{14}$ $\frac{1}{15}$ $\frac{1}{16}$ $\frac{1}{17}$ $\frac{1}{18}$ $\frac{1}{19}$ $\frac{1}{20}$ باید نگاه کنی که هر اسمی چند حرف دارد و هر حرفی اسم اعظمی دارد پس حروف اسم آن شخص را با اسم اعظم هر حرفی ملاحظه کن و بنام آن شخص آن اسمها را بخوان و تفصیل حروف و اسم اعظم هر یک باین نحو است:

«لا اله الا الله (الف)»، «یا رحمن (ب)»، «یا رحيم (ج)»، «یا مالک (د)»، «یا قدوس (ه)»، «یا سلام (و)»، «یا مؤمن (ز)»، «یا مهيمن (ح)»، «یا عزيز (ط)»، «یا جبار (ی)»، «یا متکبر (ک)»، «یا خالق (ل)»، «یا باری (م)»، «یا صبور (ن)»، «یا غفار (س)»، «یا قهار (ع)»، «یا وهاب (ف)»، «یا رزاق (ص)»، «یا فتاح (ق)»، «یا علیم (ر)»، «یا قابض (ش)»، «یا باسط (ت)»، «یا حافظ (ث)»، «یا رافع (خ)»، «یا معز (ذ)»، «یا مدل (ض)»، «یا سمیع (ظ)»، «یا بصیر (غ)».

مثلاً در مورد جعفر نامی میگوئی این چهار اسم را: «یا رحيم یا قهار یا وهاب یا علیم».

طریفة: قیل افیون مع مثله بورق ارمنی یحل فی ماء الکزبرة الرطبه و یطلى البید فلا تحترق من شیء حتی الذهن المغلی.

طریفة: گویند هزار اسفند و اسفند گوشواره هر یک را تر بکوبند و آب بگیرند و در شیشه کنند آب صافی اینها عقد فرار کند ثابتاً علی النار.

طریفة: گویند اگر سه عدد از بصل النرجس را در شیر یک شبانه روز بخیسانند و سحق کنند و بر قضیب طلایه کنند بغیر از حشفه و مکرر کنند اگر عنین باشند بحال صحت آید و فعل عجیب بیند.

طریفة: عن ابی جعفر الجواد علیه السلام ما استوی رجلان فی حسب و دین الاکان افضلهما عندالله عزوجل اذبهما، قیل قد علمت فضله علیه فی الناس و المجالس فما فضله عندالله تعالی قال علیه السلام بقراءة القرآن كما أنزل و دعاؤه الله من حیث لا یلحّن فإن الدعاء المَلْحُون لا یصعد إلى الله تعالی (۴۶).

طریفة: قیل عن النبی صلی الله علیه و آله من انهمک فی طلب النّحو سلب عنه الخشوع (۴۷).

طریفة: قیل فی قوله تعالی «و جدک ضالاً فهدی» (۴۸) یعنی خود را گم کرده بودی پس ترا بتو نشان داد یعنی بمقتضای بشریت ذات تو پوشیده است و خداوند تعالی نمایش ترا و ذات ترا در مقام روحانیت آشکارا کرد که در آن مقام خود خود را می شناسی و مقام نورانیت تو که حقیقت تست در آن مقام هویدا است. انتهی ماقیل و فیه آیه تاویل بلا دلیل و از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است که فرمودند یتیم در این آیه بمعنای بی مانند است چنانکه می گویند دُرّه یتیمه و مراد از ایواء جای دادن خلق است بسوی او و مراد از ضلالت مجهول القدر بودن آن بزرگوار است ابتداءً در میان خلق پس مردم را هدایت فرمود بجلالت قدر آنحضرت و فطرت اولیة خلق در طلب تو و جویای وصال تو بودند پس خداوند تعالی مردم را هدایت فرمود بشناسانی تو و در اینجا هر دو مفعول هدی محذوف شده و ممکن است گفته شود که لفظ مهدی نیز که از القاب مشهورة حضرت حجة بن الحسن علیه السلام می باشد نیز همین معنی را افاده کند در مقام خاتم اوصیاء بودن چنانکه در خاتم انبیاء نیز این معنی بود و بنابر این معنای مهدی «المهدی الیه الناس» خواهد بود بنابر آنکه هر دو مفعول او را محذوف دانیم بنابر تعدیه به الی در مفعول ثانی و ممکن است بنابر تعدیه نفس در مفعول ثانی نیز آنکه مفعول ثانی او را ضمیر مقدر که نائب فاعل

باشد قرار دهیم علی و جیه ضعیف بعضی گویند آنکه چون حضرت اول ما خلق الله بودند پس در مقام حقیقت پدر و مادری نداشتند پس یتیم مرتبه فیض اقدس بودند و مقام شامخ او در جنان صافوره بود و زندانیان عالم ملک از او خبری نداشتند پس او را خداوند تعالی در عالم ناسوت نیز جلوه ای داد و بناسوتیان مقام او را اعلان داد و شناسانید و غرض از استفهام در این مقام اظهار منن خداوند منعم است.

طریفة: آورد فی مکارم الأخلاق هذه الابیات فی خواص البطح منسوبة الی مولانا الرضا علیه السلام:

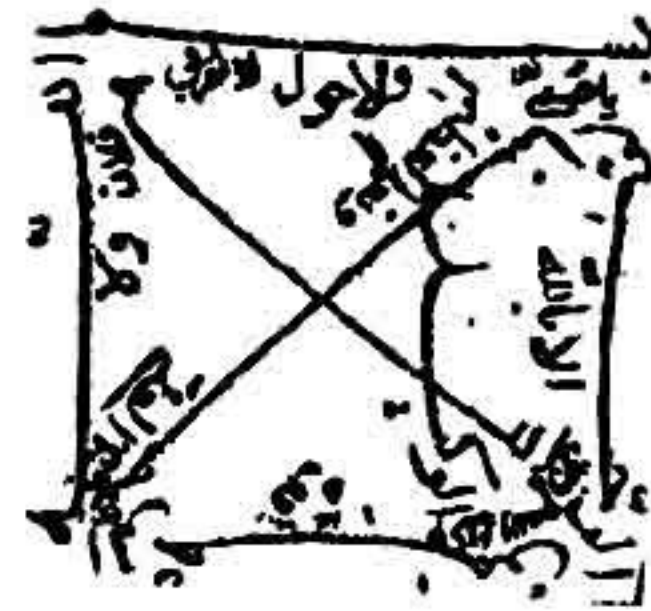
اهدت لنا الایام بطیخة	من حلل الأرض و دار السلام
تجمع اوصافاً عظاماً و قد	عددتها مجموعة بالنظام
کذاک قال المصطفی المجتبی	محمد جدی علیه السلام
ماء و حلواء و ریحانة	فاکهة حررض طعام إدام
تنقی المثانة و تصفی الوجوه	تطیب النکهة عشر تمام

طریفة: در کتاب خواص القرآن از عمرو بن میمون نقل می کند که هرکس نماز بامداد بگذارد و بعد از آن مصحف بگشاید و صد آیه بخواند خدای تعالی فرماید مثل عمل جمیع اهل عالم در دیوان عمل او ثبت نمایند.

طریفة: بعضی نظر بظاهر آیه شریفة «فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله» (۴۹) قائل به آن است که استعاذه را باید بعد از قرائت قرآن بجای آورد به جهت حفظ از عجب و نحو آن و علماء حقّه معنای فإذا قرأت را إذا أرذت القراءة می دانند.

طریفة: گویند هر که بسم الله الرحمن الرحیم را به طریق تکثیر در مرتعی درج کند و آن را با خود نگاه دارد کارهای بسته او فتح شود و از مکر غمازان و وسوسة

شیطان و جمیع بلاها ایمن گردد و اگر این مربع را در شرف آفتاب نویسند بهتر باشد و آن را معطر سازند و دائم باطهارت باشند و طریق نکثیر آن در مربع بدین نوعست و گویند از خواص مجزیه بسمله دفع حمی است و طریقه اش آنکه بسم الله الرحمن الرحیم را بر صورت مربعی نویسند و در داخل آن مربع بنویسند «حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا حَمِي لَا تَقْرِبِي فَلَانَ ابْنِ فَلَانَ بَاذَنَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ» و آن را در زیر سر بالین بیمار نهد شفا یابد و این بکرات تجربه افتاده است و صورت آن این است:



طریقه: گویند از صحابه کبار منقول است که این چهارده حروف نواری را یعنی فواتح سور بر صنادیق و اقمشه و امتعه و درها و دیوارها و باغها نوشته اند که تا خداوند تعالی آنها را از دزد و آفات و بلیات محفوظ می داشته و بعضی از مشایخ بوده اند که این حروف اوائل سور را با خود نگاه می داشته کسی سبب آن از وی پرسیده گفت برکات بسیار از این حروف بر من ظاهر شده از جمله خدای تعالی از برکت این حروف مرا از مشقتها نگاه میدارد و روزی به من می رساند بآسانی ، و چون حاجتی پیش می آید طلب آن حاجت از خدای می کنم باین حروف حاجتم روا کند و باز می دارد از من شر دشمن و دزد و مار و کژدم و حشرات و سیاع را و از

انشاء الله تعالی.

طریقه:

یا موله الاواه	ان ترد علو الجاه
بین زمرة الاشباه	قاتل سبحة الولاہ
لا اله الا الله	
قال رينا حصني	ذا الامان و الامن
من عذابى الحزن	كلمة التقى اعنى
لا اله الا الله	

شعشات نور عال
عند عارف قد قال

لا اله الا الله

ان صيقل الصدر
كى يصير كالبدر
من صداء ما ندرى
عند ليلة القدر

لا اله الا الله

كل ما لدى الاكوان
من معان او اعيان
من حقائق الايمان
ذكره على الاعلان

لا اله الا الله

ايها الالهيون
فاسمعوا كما تدررون
انتم الشهوديون
بالعيان والمكنون

لا اله الا الله

هل دريت ما ينطق
فهو ناطق منطلق
عرقك الذى يفلق
من فصاحة المنطق

لا اله الا الله

صار سرنا جهرا
اختياراً او فهرا
بعد ما اختفى دهرا
اذ بدانا بهرا

لا اله الا الله

قد اتى لدى خبير
ان كل مذكر

من اناث او ذكر
قال خالص النظر
لا اله الا الله

واجب له الرضوان
ان مهجة المنوان
فادر ذلك التبيان
للجنان و الغفران

لا اله الا الله

اذ مسبب الجنات
عن سوى الوجود البات
ليس غير نفى الذات
وهو كان بالاثبات

لا اله الا الله

فالتقرب الاعلى
والتحبيب الاحلى
والتدرب الاجلى
ليس كلها الا

لا اله الا الله

من محبة الله
فى الفؤاد يهواه
اذ اليه اواه
فادر ان هذا هو

لا اله الا الله

فهو كان مصداقه
لم يفارق اشراقه
حيث جال آفاقه
من يكون اخلاقه

لا اله الا الله

ما تراه ميزانا
كفتاه عنواننا
زنت منه ايماننا
لا وعكس لا كانا

لا اله الا الله

ان تشأ ذرى الاثار
فى مجامع الاطوار

فاذكرن في الاسحار عد ما له المعيار

لا اله الا الله

لا اله الا الله مركز لحب الله

فاذكروا على الافواه في المضيق والارفاء

لا اله الا الله

يا مجارى الحسن فى الفعال والسنن

جازه على المنن حيث قال فى زمن

لا اله الا الله

بر سر قضيب مالده رفع شود و هرگاه جز را با غسل بجوشانند و بخورند موجب موجب زيادتى باه شود.

طريفة: گویند جالینوس گوید هر که ترخانی را بجاید بوی دهان را خوش کند و نشنگی را ببرد و اگر دندان عیب داشته باشد او را ببرد و خون بن آن را بنشانند و اگر کسی را کزدم گزیده باشد ترخانی را بجاید و بر او بندد درد ساکن گردد و اکثرا او موجب درد گلو و ضعف باه می شود.

طريفة: گویند اگر روغن تازه را بریحان بجوشانند و بر موی مالند موی را سیاه نماید.

طريفة: گویند هرگاه چند عدد زنبور با روغن بجوشانند و در شیشه کنند و سرش محکم کنند در وقت مجامعت پاره ای از روغن را بقضيب مالده چندان لذت بیند که در وصف نگنجد و گویند آزموده شده است.

طريفة: مالیدن آب خطمی بر بدن موجب عدم گزیدن زنبور است.

طريفة: گویند اگر پوست انار ترش را بسایند و در حمام بخورد مانند موجب رفع شپش خواهد بود.

طريفة: گویند هرگاه کسی هریسه خورده باشد و بحمام رود باد لقوه پیدا کند و جماع کردن از پهلو نیز باد لقوه آورد و جماع در حمام موجب نزول آب سیاه چشم خواهد شد.

طريفة: گویند اگر در روز چهارشنبه یک صد و شصت مرتبه اسم بدوح را کسی بخواند هر چه خواهد میسر گردد انشاء الله تعالى.

طريفة: گویند اگر کسی آب گندنا را معجون کند و بخورد شهوت را بیفزاید و گرده را قوی کند.

طريفة: در نسخه ای نوشته بود آنکه جماعتی از اهل شعبده که شمشیر و حره دیگر برایشان کارگر نمی گردد جهت این حال در ایشان آن است که مشروط بخلوت به یک مجلس چهل هزار بار اسم «یا علی الله» را می خوانند و بر آهن و فولاد می دمند و از آنها این خاصیت بظهور می رسد قیل آنکه شاید بروز این اثر بجهت آن باشد که اسم علی یکی از اسماء الله عظام است و هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ و ترتب آثار موقوف بر نفس الامر و واقع اطوار باشد نه بر مقصود و نیت و فيه ما فيه فتأمل.

طريفة: گویند اگر کسی خواهد فربه شود سه روز چند خایه بستاند و زرده اش را با دارچینی بیامیزد و بخورد بغایت فربه شود.

طريفة: گویند اگر کسی را قضيب سست باشد دو درم تخم ترب با روغن کنجد

طریفة: گویند اگر کسی سوره مبارکه یس را بنویسد و در موم گیرد و بر بازوی راست بندد عجایبها بیند انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند اگر کسی صفحه‌ای از سرب را بر عانه یا کمر خود بندد مانع از احتلام او خواهد بود.

طریفة: گویند دود شکر یا قند را بدماغ رساندن به جهت نزله نافع خواهد بود.

طریفة: گویند سائیدن سکر العشر که شکر نیغالش گویند و در چشم کشیدن آن موجب قوت و رفع سفیدی او خواهد بود.

طریفة: گویند سزاوار است آنکه در شب نیمه شعبان سه مرتبه سوره مبارکه یس را بخوانند یکی بقصد حیات و یکی بقصد وسعت و یک بقصد صحت.

طریفة: گویند مداومت بر کلمه مبارکه «یا حی» بعد از هر نماز هجده مرتبه موجب طول عمر و دفع مرگ مفاجات و توسعه در امر معاش خواهد بود.

طریفة: دعاء سریع الاجابة عظیم الشأن مروی عن مولانا الكاظم علیه السلام «اللهم انی اطعنتک فی احبّ الأشیاء إلیک و هو التوحید و لم أعصک فی ابغضّ الأشیاء إلیک و هو الکفر فاغفر لی ما بینهما یا من إلیه مقرّی آبتی ممّا فرعت منه إلیک اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک و اقبل منی الیسیر من طاعتک یا عدّتی دون العُدّد و یا رجائی و المعتمد و یا کفّی و السند و یا واحد یا احد یا قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفراً أحد أسألک بحقّ من اصطفیتهم من خلقک و لم تجعل فی خلقک مثلهم أحداً أن تصلی علی محمد و آله و تفعل بی ما أنت أهله اللهم انی أسألک بالوحدانیة الکبری و المحمّدیة البیضاء و العلویة العلیا و بجمع ما

احتججت به علی عبادک و بالاسم الذی حجته عن خلقک فلم یخرج منک إلا إلیک صلّ علی محمد و آله و اجعل لی من امری فرجاً و مخرجاً و ارزقنی من حیث أختیب و من حیث لا أختیب إنک ترزق من نشأه بغير حساب» (۵۰).

طریفة: در یکی از مسائلی که در ترجمه کتابی است مسمی به کامروا بیچارگان که او را کاماک هندیّه بنظم در آورده بزبان هندی در علم دم و ضمیر گویند او زنی بوده است از کاهنات روحانیّه نوشته که این علم دم را علم ضمیر گویند و از نیک و بد نشان دهد بعد از آن میگویند هرگاه دم از سوراخ راست بینی آید چنین دم از آفتاب می آید و هرگاه دم از سوراخ چپ بینی آید گویند از ماهتاب آید و این دو سوراخ بینی را بافتاب و ماهتاب منسوب کرده‌اند و وقت باشد که دم او راست رود و وقت باشد که دم از چپ رود و وقت باشد که از هر دو آید و وقت باشد که از هر دو هیچ بیرون نیاید و ایضاً گوید هر ساعتی نهصد دم بر آید شبانه روزی بیست و یک هزار و ششصد دم بر آید و نیز باشد که یک روز یا دو روز یا سه روز یا کم و بیش از یک سوراخ رود و بعد از چند سطر دیگر می گوید این است که دم چپ از برای حاجت خواستن از بزرگی نیک نیست و دم راست از برای خرید اسب و شتر و برده خوب است و دم چپ از برای پوشیدن جامه نو خوب است و دم راست از برای معالجه و طلب گم شده و مجامعت خوب است و دم راست از برای عقد و عروسی و صحبت و اکل و شرب خوب است و عمارت زمین و خانه و باغ مناسب دم چپ است و بامداد چون از خواب برخیزد اگر دم از راست آید پای راست باید بر زمین

نهاد و برعکس در عکس و اگر کاری یا شغلی خواهد کند اگر روز جمعه یا یکشنبه و دوشنبه و پنجشنبه باشد بدم چپ باید کرد و اگر دم او از هر دو سوراخ بینی میرود آن کار برآید و اگر بر کسی دم شوریده می رود هیچ کار نباید کرد الی آخر ما فی هذه الرسالة راقم اثم گوید آنچه در اخبار اهل بیت علیهم السلام مناسب بعضی از مطالب این علم دم می باشد چیزی است که در کتاب مبارک وسائل در کتاب دیات آورده در باب حکم من نقص بعض نفسه و ما به عن رفاعة قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام ما تقول في رجل ضرب فنقص بعض نفسه بآئ شییء يعرف، قال بالساعات قلت و كيف بالساعات قال ان النفس يطلع الفجر و هو في الشق الأيمن من الأنف فإذا مضت الساعة صار إلى الشق الأيسر فننظر ما بين نفسك و نفسه ثم يؤخذ بحساب ذلك منه (۵۱).

طریفة: گویند چنانکه در کتاب مفتاح الجنان بجهت جمیع مطالب در شب جمعه ثلث آخر شب با وضو رو به قبله سر را برهنه کند و بحالت تضرع از جهت هر مطلبی شصت و شش مرتبه «یا الله» که عدد خود آن اسم شریف است بگوید مجزب است انشاء الله تعالی.

طریفة: ایضاً گویند که چون دو هزار و پانصد و شصت اسم جلالة در قرآن است به جهت مطالب مشروعه در خلوت با وضو رو به قبله با حضور قلب اسم جلالة را که الله میباشد بعدد مذکور بخواند که اثر عظیم دارد و حاجت برآورده خواهد شد انشاء الله.

طریفة: ایضاً گویند کلمه «الله الصمد» را در ثلث آخر شب جمعه با وضو رو بقبله با حضور قلب هزار مرتبه گفتن اثر عظیم دارد انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند طریفة ختم ذکر «یا باسط» بدین گونه است که تا سه شب یک در میان یعنی از شش شب سه شب خوانده شود ثلث آخر شب با حضور قلب دست بردارد و هر شبی هزار و چهارصد و بیست و چهار (۱۴۲۴) مرتبه بگوید انشاء الله تعالی حاجت روا میشود خصوصاً به جهت ضیق معشیت و گویند بسیار مجزب است. **طریفة:** از مرحوم سید بحر العلوم اعلی الله مقامه منقول است که فرموده بودند بعد از تهذیب اخلاق چهل شبانه روز مشغول ختم «یا الله» بودم و شروط ختم را مراعات می نمودم شب چهلم شب عرفه بود در حرم مطهر حضرت امام حسین عليه السلام نزدیک قبور شهداء شخصی سیبی بدست من داد و آن سیب را بوئیدم بوی آن شبیه ببری مشک و عنبر بود نزدیک بود بیهوش شوم دانستم آنچه دانسته ام از آن است گویند این ختم بسیار مجزب است در افاضة علوم ربانیة و الله العالم.

طریفة: فی المخلاة من اوراد الشیخ عبد الله الیافعی هذا الدعاء و هو معروف فی الحاجات «یا مُفْتَحُ فَتَحْ یا مُفْرَجُ فَرِّجْ یا مُسَبِّبُ سَبِّبْ یا مُبَسِّرُ بَسِّرْ الْفَتْحَ وَ الْفَرَجَ مِنْكَ یا فَتَّاحُ یا عَلِیمُ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

طریفة: فی کتاب المخلاة ایضاً کان ابو الحسن بعلم اصحابه هذا الدعاء للضيق و السعة «یا واسع یا علیم یا ذا الفضل العظیم أنت ربی و علیک حسبی إن تمسنى بضر فلا کاشف له إلا أنت و إن تردنی بخیر فلا راد لفضلک تصیب به من تشاء من عبادک و أنت الغفور الرحیم».

طریفة: قیل البرغوث یهرب من النورة إذا فرشت فی ای موضع کان.

طریفة: فی کتاب مکارم الأخلاق عن الرضا عليه السلام قال ماء المسخن إذا اغلبته سبع غليات و قلبته من اناء إلى آخر فهو يذهب الحمى و ينزل القوة في الساقين و القدمين و ايضاً فيه عنه عليه السلام الماء المغلى ينفع من كل شىء (٥٢).

طریفة: فيه ايضاً عن ابى عبدالله عليه السلام يقول مَرَّتْ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ امْرَأَةٌ بَدِيَّةٌ وَ هُوَ جَالِسٌ بِأَكْلِ فَقَالَتْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ لَتَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَ تَجْلِسُ جَلُوسَهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَيْحَكَ وَ ائِىَّ عَبْدٌ أَعْبَدُ مِنِّي قَالَتْ فَنَاولَنِي لُقْمَةً مِنْ طَعَامِكَ فَنَاولَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لُقْمَةً مِنْ طَعَامِهِ فَقَالَتْ لَأُؤَدِّيَنَّ لَكَ وَ اللَّهُ الْآتِي فِي فَيْكِ قَالَ فَاخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لُقْمَةً مِنْ فِيهِ فَنَاولَهَا فَأَكَلَتْهَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَمَا أَصَابَهَا بَدَاءٌ حَتَّى فَارَقَتِ الدُّنْيَا (٥٣).

طریفة: فيه ايضاً من الفردوس عن النبي ﷺ عليكم بلباس الصوف تجدون حلاوة الايمان و قلة الأكل تعرفون في الآخرة و ان النظر إلى الصوف يورث التفكير و التفكير يورث الحكمة و الحكمة تجرى في اجوافك مثل الدم (٥٤).

طریفة: فيه ايضاً ما بعث الله نبياً فظاً إلا و في يديه سفرجلة او بيده سفرجلة و قال ايضاً رائحة الأنبياء رائحة السفرجل و رائحة الحور العين الأوس و رائحة الملائكة الورد و ما بعث الله نبياً إلا وجد منه ریح السفرجل (٥٥) و فيه ايضاً عنه عليه السلام قال عليكم بالسفرجل فإنه يزيد في العقل (٥٦).

طریفة: فيه ايضاً صلوة الضر و الفتر تصلى ركعتين تحسنهما و تسجد و تقول: يا ماجد يا واحد يا احد يا كريم أتوجه إليك بنبيك ﷺ يا رحمة يا رسول الله إني أتوجه بك إلى الله ربي و ربك و رب كل شىء أسألك يا الله أن تصلى على محمد و آله و أسألك نعمة من تفحاتك و فتحاً بسيراً و رزقاً واسعاً ألم به شعبي و أقضي به ديني و أستعين به على عيالي (٥٧).

طریفة: چهار فائده عظيمه در سرکه انگور خصوصاً سرکه‌ای که از شراب حاصل شده باشد بدون علاج و سبب می باشد چنانکه در اخبار اهل بیت علیهم السلام وارد است یکی آنکه قلب را حیات می بخشد دویم آنکه عقل را زیاد میکند سیم آنکه شهوت زنا را می برد و برطرف می کند چهارم آنکه بودن آن در هر خانه نفی فقر میکند و موجب برکات است راقم آثم گوید آنکه تحقق و ظهور فوائد مذکوره و سائر خواص و آثاری که در اخبار معصومین علیهم السلام از برای اشیاء ذکر شده اختصاص دارد بمعصومین و کسانی که از جنس و سنخ و شعاع ایشان باشند و تخلص در بعضی از موارد به جهت سلب موضوع حقیقه با حکماً می باشد فتأمل.

طریفة: هرگاه خواسته باشی آنکه فاعده‌ای را وضع کنی به جهت اخبار از اضمار حرفی از سوره یا بیت یا قصیده‌ای طریقه انیقه سهله سانحه بخاطر راقم آثم در آن آنست که اولاً کل حروف غیر مکرره آن سوره یا غیرها را بترتیب در سطری علیحده بنگاری و در تحت هر حرفی عدد ترتیب آن حرف را از یک و بعد از دویم و سیم و هكذا ثبت کنی پس از آن از میان حروف مذکوره چند حرفی را سه یا چهار و هكذا پیدا کنی که هرگاه عدد مرقوم آنها را بتمامه جمع نمائی حاصل از اعداد مطابق با عدد حرف آخر سطر مذکوره بوده باشد بعد از آن هر حرفی از این حروف پیدا شده جدا جدا بترتیب نزولی در محلی علیحده می نویسی و بر بالای هر حرفی از این حروف همان عدد ترتیب او را ثبت می کنی بعد از آن در باقی حروف هر حرفی از آنها را ملاحظه می کنی و همان حرف را بر وفق عدد خود در پهلوی حرفی از حروف مرتبه نزولیه و حرف دیگر از آنها که مجموع اعداد فوقیه آنها مطابق با عدد تحتانی آن حرف سطری باشد می گذاری تا آخر حروف سطریه تا آنکه از ضم این حروف بهر یک از حروف نزولیه سطری حاصل می شود پس هرگاه خواسته

باشی که آن سطر را بینی یا نثری نمائی بترکیب و تألیف می توانی ولی شرط است که در هر سطری حرفی از سطر دیگر از حروف غیر متکرره مذکوره نباشد، بلی اگر از حروف غیر متکرره مزبوره باشد جائز است مثال در این باب آنکه هرگاه خواسته باشیم حروف سوره مبارکه کوثر را بقاعده مذکوره موضوع اضممار و اخبار نمائیم اولاً حروف غیر متکرره آن را جمع نمودیم هفده حرف شد بتریب آنها را نوشتیم با ثبت اعداد ترتیبی آنها در تحت آنها باین شکل:

«ان ع ط ی ک ل و ث ر ف ص ب ح ش ه ت»

۱۷۱۶۱۵۱۴۱۳۱۲۱۱۱۰۹۸۷۶۵۴۳۲۱

پس از آن از این حروف پنج حرف پیدا کردیم که جمیع اعداد تحتی آنها مطابق با عدد حرف آخر حروف مذکوره اعنی هفده تا می باشد و آن پنج حرف چنین است:

«ان ع ی ک» «۶۵۳۲۱»

بعد از آن این حروف پنجگانه را بتریب نزولی نگاشتیم با ثبت عدد آنها در فوق آنها باین شکل و بعد از انضمام حروف سطریه مذکوره به آنها با تألیف و ترکیب بطریق مسطور این اشعار رائقه گردیده فاغتم و تبصر.

پس هرگاه خواسته باشی اخبار کنی کسی را بحرف مضمّر از سوره مبارکه مزبوره پس این اشعار را بر او تلاوت کن و از او سؤال کن که در کدام یک از این ابیات است حرف مضمّر تو پس هرگاه در یک بیت فقط از آنها تعیین کرد ملاحظه کن حروف سطریه مذکوره را و هر حرفی از آنها که عدد آن مطابق با عدد فوق آن بیت است همان حرف مضمّر خواهد بود و اگر در اکثر از بیت واحد معین کرد ملاحظه کن اعداد فوقیه آن چند بیت را و جمع نما و هر حرفی از حروف مذکوره که عدد تحتانی او مطابق با حاصل جمع مزبور باشد همان حرف مضمّر خواهد بود

والله العالم.

صراط صمد شرف مقصد
 نلت به قدس آبه اقدس
 وحطت سعدا و شهیدان
 تجلیه شهید و صفوة
 صبر بحق شرف تکش
 ذی سوره الکور تفضل

ان شاء الله تعالی

طریفة: عن معوية بن عمار قال قلت لابي عبدالله عليه السلام ان الناس يروون عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ان العدس بارك عيه سبعون نبيا فقال هو الذي يسمونه عندكم الحمص ونحن نسميه العدس (۵۸).

طریفة: عدد تام باصطلاح اهل حساب عددی را گویند که عدد جمیع کسور متصوره در آن مطابق با خود آن عدد باشد بلا زیاده و نقصان مثل عدد سته قاعده سانحه بخاطر قاصر راقم آثم در این باب آن است که در مرتبه آحاد فرد اول آن مرتبه را که واحد باشد بنابر آنکه واحد داخل در اعداد باشد کما هو الحق بنابر لحاظ (لابشرطی) اونه (بشرط لا) در عدد سته ضرب نمائی و در سایر مراتب از عشرات و مات و ألوف همان فرد اول آن مرتبه را بضمیمه فرد اول مرتبه آحاد نیز در عدد سته ضرب کنی حاصل ضرب همان عدد تام خواهد بود پس در مرتبه آحاد عدد شش و در مرتبه عشرات عدد شصت و شش و در مرتبه مات عدد ششصد و شش و

در مرتبه الف عدد شش هزار و شش عدد نام خواهد بود و در هر مرتبه ای جزیک عدد یافت نمی شود فاحفظها.

طریفة: بتجربه رسیده آنکه در هر روز خواندن آیه مبارکه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۵۱) سه مرتبه با سه مرتبه خواندن صلوات مقدماً و مؤخرأ موجب وسعت ارزاق و کفایت مهمات و فتح اغلاق خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریفة: صاحب مآثر المحمّدی عليه السلام که از ذراری فتحعلی شاه بوده گوید چوبی در خزانه صاحب قران دیدم پرسیدم گفتند این همان چوبی است که حضرت عیسی عليه السلام را دار بود این نیازمند او را در آتش انداخت نسوخت و در آب انداخت بآب فرورفت. راقم آثم نیز گوید در عصر ما چوبی را بقدر اخصص راحة دیدم که بسیار سبک و منخلخل بود و بدست خود او را در آتش انداختم با مکث زیاد و آتش در او مطلقاً تأثیری نکرد.

طریفة: ایضاً یکی از معاصرین در کتاب خود آورده که در سفری با سلطان ناصرالدین شاه قاجار بودم در شبی در اردوی کیوان شکوه چوبی از صحراء آوردند که مثل چراغ یا پاره اخگر روشنی می داد بالذات.

طریفة: در کتاب تحفة حکیم مؤمن رحمة الله تعالی در حرف الف در لفظ احباً می فرماید احباً بلغة هندی درختی است برگش از برگ چنار پهن تر و چوبش در آتش نسوزد.

طریفة: گویند به جهت محبت هفت مرتبه آیه «زَيْنَ لِلنَّاسِ .. تَا.. الْمَاب» را بر نمک خواند دوستی عظیم در دل او بهم رساند و بزودی حاضر شود و مجرب است. طریفة: گویند به جهت حصول مطالب از گفته ملا عبدالنبی عليه السلام سورة والضحی را چهل مرتبه بخواند و به جهت حصول مطالب عظیمه بعد از بامداد بیست و پنج

مرتبه سورة إذا جاء نصر الله را بخواند.

طریفة: به جهت خفاء بنویسد و بر بازوی راست بندد:

مَهْوَامَهْلَاهَا مَهْوَمَهْرَاهَا بِهَا بِهَا مَهْمَمٌ وَسَمَمٌ وَاسِرْمٌ حَلَاكٌ

طریفة: گویند اگر خواهی جانی روی که ترا نبینند این دوازده اسم را بمشک و زعفران بر پوست آهو نوشته و در گوش چپ گذارد که مجرب است و در نسخه دیگر بر حریر سفید نویسد و در گوش گذارد و اگر برای محبت خواهی بنویسد و در آب اندازد یا تمخینا یا کنعینا یا ملینا یا طلمینا یا زهمینا یا هلا یا بلا یا ثبنا یا طورطا یا اهلینا یا هینا یا مهانانی.

طریفة: گویند اگر کسی را قضیب سست باشد ده درم تخم ترب با روغن تازه بجوشانند و در قضیب مالد سستی را ببرد انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند به جهت حافظه بر نخم مرغ نوشته تناول نماید «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرَطُونَ»

طریفة: در نسخه ای نوشته بود آنکه از مجتهد زمان میرزا حسین (طاب ثراه) نقل است که هرگاه امر عظیمی روی دهد این کلمات را نوشته در زیر زبان داشته باشند: ص و اطع ل ی ح ق ن م س ک ه

طریفة: عن صالح بن عقبه قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول كلوا الرمان بشحمه فإنه يبدغ المعدة ويزيد في الذهن (۶۰).

طریفة: فی حدیث قال ابو عبدالله علیه السلام من سرّه ان یکثر ماله و ولده الذکور فلیکثر من اکل الهندباء (۶۱).

طریفة: عن محمد بن اسمعیل قال سمعت الرضا علیه السلام يقول فی الهندباء شفاء من آلف داء ما من داء فی جوف الانسان الا قمعته الهندباء (۶۲).

طریفة: مصل کفرس قارا است که از دوغ درست می کنند .

طریفة: قیل روی سعید بن جبیر عن ابن عباس انّ الدنیا جمعة من جمعات الآخرة بمعنی اشبوع من آسابیعها (سبعة آلاف سنة) و قد مضت ستة آلاف و مائة و لیاتین علیها مئون.

طریفة: گویند از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ماثور است آنکه بعد از رویت عطارده ایستاده این ابیات را خوانده سه قدم پیش نهاده باز این ابیات را تمام سه مرتبه خوانده سه قدم پس نهاده و چنین نماید تا هفت مرتبه ابیات تمامی خوانده و پیش و پس رود هر که چنین کند البته در آن هفته صد مثقال طلا بدست او آید و ابیات این است

عطارده ایام الله طال ترقبی

صباحاً مساءً کی اراک فاغنا

فها انا فامدلی (فامنحنی) قوی ابلغ المنی

و درک العلوم الغامرات (الغامضات) تکرماً

یکفینی المحذور (المحظور) و الشکرکه

بامر ملیک خالق الأرض و السما

راقم آثم گوید در صورت صدق نسبت این ابیات بجناب امیرالمؤمنین علیه السلام وجه

تاثیر این کوکب در مقام با بجهت آن است که جمیع سماویات صاحب حیات و

ادراک و شعور و مدبّر عالم عناصر می باشند و اینکه آنها را امداد و ارفاد بعد از استمداد و استرفاد ممکن است چنانکه طریقه حکماء این است و گفته اند:

انّ السّماء کلّها احياء و الشمس قلب غیرها الاعضاء

و کلّ ما هناك حیّ ناطق و لجمال الله دوماً عاشق

و بر این مذهب بزعم خود ادله و براهینی ملکوتیه اقامه نموده اند که او هن است از

منسوجات عنکبوتیه و بارع متشرّع ، مستمع به آنها نمی شود تا چه رسد به آنکه

معتقد یا مقنع به آنها شود و این وجه باطل است چنانکه در مقام و محلّش بیان شده

و یا مبنی است بر طریقه بعضی از حکماء فرنگ و اهل هیبت جدیده که می گویند

همه کواکب کرانی می باشند متحرّکه در فضای غیر متناهی و اینکه هر کوبی را

مخلوقاتی است معلومه از جمادات و نباتات و سائر موالید مثل کره زمین و قائل به

حرکت زمین می باشند مثل آنها و می گویند شمسها و قمرهای متعدده در این جو

است که از کثرت بُعد بصورت ستارگان نمایان می شوند و همه آنها دارای خلق

کثیری هستند و چنانکه در کره زمین اهل ایمان و اهل کفر می باشند همچنین در آن

کرات هم مؤمن و هم کافر می باشند و بعضی از علماء ما می گویند ممکن است

استنباط این قول از احادیث معصومیه مثل حدیثی که از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام

مروری است و در کتاب مجمع البحرین نقل فرموده إنه قال هذه النجوم التي فی

السّماء مسيرة مائین و خمسين سنة ، و عالم فاضل مؤید ربّانی معاصر صاحب فخر

الاسلام در کتاب مبارک انیس الأعلام در مقام ردّ بر طبیعیین می فرماید بعضی از

علماء گفته اند که کواکب مرکوزند در نفس سماء و این قول جمهور مفسّرین است و

بعضی دیگر گفته اند که ستاره ها در پائین تر از آسمانند که عبارت باشد از ما بین زمین

و آسمان بعضی از اخبار نیز دلالت دارد به همین مطلب از جمله خبری است که در

مجلد چهاردهم از بحار الانوار که مسمی بالسماء و العالم می باشد در جزو سؤالات عبدالله بن سلام از حضرت خیر الأنام علیه و آله سلام الله الملك العالم به این نحو منظور گردیده است قال یا مُحَمَّد اخبرنی عن النجوم کم جزء هی قال یا ابن سلام ثلثة اجزاء جزء منها بأركان العرش يصل صورها إلى السماء السابعة و الجزء الثانی لسماء الدنيا كالمثال القنادیل المعلقة و هی تضيء لسكانها و ترمى الشیاطین بشرها إذا اشتروا السمع و الجزء الثالث معلقة فی الهواء و هی ضوء البحار و ما فیها و ما علیها انتهى بعد از آن می فرماید مؤلف گوید از این خبر دو امر مستفاد می شود امر اول اینکه ستاره ها مرکوز در سماء نمی باشند بلکه مثل قندبها آویزانند چنانکه شما میگوئید بقوه جاذبه معلقند . امر دوم آنکه جزو آن ستارگان در میان زمین و آسمانند چنانکه شما می گوئید که تاکنون هفت عدد از آنها را پیدا کرده ایم در میان زمین و آسمان و مخبر صادق هزار و سیصد سال بلکه زیادتیر قبل از این بدون دورین و ذره بین ما را خبر داده است از آنچه شما امروز می گوئید که ما با دورین بزرگ دیده ایم و پیدا کرده ایم و در کنز الأسرار قاضی صناهاجی از مکی در تفسیر سورة التکویر نقل کرده است که ستاره ها فیما بین زمین و آسمانند و صاحب بهجة النفس این قول را از وهب نقل کرده است آنکه می فرماید و امام فخر رازی در تفسیر سورة القدر خبری نقل نموده است از کعب که صریحاً دلالت دارد بر اینکه آفتاب در پائین تر از سماء دنیا است الی آخر ما قال الفاضل المعاصر المذكور جزاء الله تعالی عن الاسلام خیر جزاء بمحمد و آله عليهم السلام چنانکه ممکن است اثبات شمس و اقمار متعدده بنا بر زعم صاحب این قول از بعضی از دعوات وارده در عقب صلوة لیل چنانکه در کتاب مبارک بحار است مثل «فأنت ربّ اللیل و النهار و الفلک الدوّار و الشمس و الأقمار و البراری و القفار و الجداول و البحار و الغیوم و الأمطار و البادین

و الحضار و کل ما یکمن لیلاً و یظهر بنهار و کل شیء عندک بمقداره (۶۳) و ممکن است اثبات حرکت زمین باینکه چون در نزد صاحب اینقول محقق و قطعی است که در جوف کره زمین حرارت شدیده غریزیه است که فرضاً هرگاه کوههای از آهن و فولاد گذارده فوراً گداخته میشود و گویند شراره هائیکه از کوههای آتشفشان بظهور می رسد از اثر آن حرارت است و هرگاه چنین حرارتی در دل زمین باشد لابد آن حرارت او را به حرکت در می آورد و همچنین در نزد صاحب این قول محقق است که معطی شیء فاقد آن نخواهد بود و زمین که حیوانات متحرکه از او متکون می شوند چگونه می شود که خود دارای حرکت نباشند هذا ما قبل او یمكن أن یقال عن جانب صاحب هذا القول و بنا بر فرض صحّت این قول در کل ستاره ها مخلوقات کثیره خواهد بود و در آنها نفوس مقدسه روحانیه و ارواح طیبیه سبحانه نیز خواهد بود و ممکن است که ایشان به جهت قوت روحانیتی که در ایشان است اطلاع از احوال مخاطبین با ایشان پیدا کنند و بتوجهات و دعوات الهیه اغاثت و اعانت کنند و بدانکه آن قول مستلزم قول بانکار آسمانها نیست اگر چه فرنگیها که قائلین به این قولند عدم آسمانها است و مستند آنها آن است که ما دورین و ذره بین گذاشتیم و آسمانی نیافتیم و جواب ایشان آن است که آسمانها چون خود بنفسها نوری ندارد و اجسام آنها از عنصر خامس و از غیر جنس اجسام مرکبه و بسبب این عالم می باشند و به این چشمها دیده نمی شوند تا اینکه به مدد دورین و تلسکوپ مشاهده شوند به خلاف کواکب که چون اجسام منبره می باشند و انوار آنها را می شود و مشاهده کرد به آن چشمها لهذا ممکن است که با وجود قول بکرات بودن کواکب قول به وجود آسمانها و محسوس شدن آنها به این ابصار به جهت فقدان ذاتی آنها از اصل انوار حسیه این کلمات مذکوره بر فرض صحّت این

قول بود و چون این قول هم مدرک درستی ندارد مبتنی بر آن نیز مثل او خواهد بود و ممکن است گفته شود بنابر قول اهل شرع انور آنکه بمقتضای بعضی از اخبار همه کواکب را ملئکه موکله می‌باشند و بنابر این خطاب به این کوکب عطارده خطاب به آن ملک موکل بر آن باشد و آن احتمال هم ضعیف است کمالاً یحیی و محتمل است گفته شود آنکه مراد از کوکب عطارده یکی از ائمه انام صلوات الله علیهم باشد چنانکه در اخبار وارد شده که مراد از شمس رسول خدا ﷺ و مراد از قمر مثلاً امیرالمؤمنین علیؑ است و مراد از نجوم اهل بیت علیهم السلام و این وجه هم دلیلی بر آن نیست و علی ای حال سند مسدّد و مدرک معتمدی در این باب من حیث الانتساب و الاستقراب تا به حال به دست نیامده والله الموفق و احتیاط آن است که در مقام عمل نیت ورود نکنند بلکه رجاءاً بجا آورند.

طریفة: در کتاب مبارک و مسائل از حضرت صادق علیہ السلام روایت می‌کند که فرمودند کسی که در هر روز بگوید سی مرتبه «لا اله الا الله المَلِکُ الحَقُّ المُبِین» رو بغنی آورده باشد و پشت به فقر کرده باشد و در بهشت را کوبیده باشد (۶۴).

طریفة: ایضاً در آن کتاب روایت می‌کند از داود رقی از حضرت صادق علیہ السلام که آن حضرت فرمودند وانگذار اینک بخوانی سه مرتبه هرگاه صبح کنی و سه مرتبه هرگاه شب کنی «اللّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی دِرْعِکَ الحَصِیْنَةِ الَّتِی تَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ تُرِیدُ» پس بدرستی که پدر من می‌فرمودند که این دعاء از دعاهاى مخزون است (۶۵).

طریفة: ایضاً در کتاب مذکور مذکور است آنکه روایت شده از حضرت صادق علیہ السلام کسی که بگوید «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ وَبِحَمْدِهِ» مکتوب می‌فرماید خداوند تعالی از برای او سه هزار حسنة و محو می‌فرماید از او سه هزار سیئه و بلند می‌فرماید از برای او سه هزار درجه را و خلق می‌فرماید از آن

مرغی در بهشت که تسبیح نماید و اجر تسبیح از برای او خواهد بود.

طریفة: در کتاب جنّات النّعیّم حدیثی نقل می‌کند باین مضمون که هرکس بخواند از ابدال شمرده شود هر روز ده مرتبه بگوید:
«اللّهُمَّ اصْلِحْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ اللّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ اللّهُمَّ اَرْحَمْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّوْاْتُ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ»

طریفة: در کتاب جنّات النّعیّم از مصباح کفعمی نقل می‌فرماید برای کشف حجاب از قلب بعد از نماز صبح دست به سینه بگذارد هفتاد مرتبه «یا فتّاح» بخواند.

طریفة: گویند هرکس خداوند تعالی را به این نحر سه مرتبه قسم دهد «انشدک بِدَمِ المَظْلُومِ» بالقطع اجابت خواهد شد بالتّجربة. راقم آنم گوید اَشْدُّكَ بفتح همزه و ضمّ شین است و متعدّی بدو مفعول می‌باشد و گاهی در یک مفعول بباء متعدّی می‌شود و معنای او این است که قسم میدهم ترا بدم مظلوم و آنچه صاحب مجمع البحرین در معنای او فرموده خلاف ظاهر است و بهتر آن است که این دعاء را در سجده بخوانند سیّما بعد از نماز ظهر.

طریفة: در خبری است که هرگاه کسی هر روز سی مرتبه بگوید «لا حول و لا قوّة الا بالله» خداوند او را غنی فرماید.

طریفة: در بحار از حضرت صادق علیہ السلام روایت می‌کند که فرمودند کسی که بگوید «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ» سی مرتبه رو بغنی آورده و پشت بفقر نموده باشد (۶۶).

طریفة: مالیخولیا خلل دماغی و سودا است و صحیح آن بنون ساکن و کسر لام اوّل است و لغة یونانی است و ترجمه او خلط سیاه است.

طریفة: گویند لفظ لیلی در معشوقه مجنون اصل او لیلاء که صفت مؤنث است چون حمراء بوده چون سیاه چهره بوده اسم او را از لیل مشتق شده.

طریفة: گویند ماه نخشب ماهی است که حکیم بن عطاء مشهور باین مقنع به سحر و شعبده از سیماب و دیگر اشیاء ساخته بود آن ماه تا مدت دو ماه هر شب از چاهی که در پائین کوه سیام بود بر می آمد تا چهار فرسنگ نورش می رسید و نخشب به فتح نون و سکون خاء و باء موخدة نام شهری است در ماوراءالنهر و مقنع مثل مجلد است وزنا.

طریفة: گویند لفظ مایوس در لغت عرب نیامده است صحیح آن آیس است .
طریفة: گویند لفظ مبیهی در کلمات اهل طب بر وزن مقنی از اغلاط است ، صحیح آن میبه چون مسبب است زیرا که از باه است و اجرف است بلی مبیهی بیاء نسبت از لحاظی می توان گفت و اصح از همه باهی است بیاء نسبت.

طریفة: گویند مثل که صفت مشبّهه است به معنای مساوی در جمیع صفات است بر خلاف مثال که تساوی در آن شرط نیست.

طریفة: گویند لفظ مجمر که به معنای کانون است به کسر میم اول است نه به فتح آن.

طریفة: گویند لفظ مخروش که به معنای خراشیده شده است و در آن توافق لسانین اعنی عربی و فارسی است .

طریفة: لفظ مدرّس که جای درس خواندن باشد بکسر راء است نه به فتح آن.
طریفة: مدهوش در لغت عرب به معنای متحیر است و در فارسی که به معنای بیهوش می گیرند از باب تفریس است.

طریفة: عن عمّار رضی الله تعالی عنه إنه قال أتیت مولای یوماً فرأی فی وجهی

کآبة فقال ما بک فقلت دینّ انا مطالب به ، فأشار علیّ إلی حجر ملقی و قال خذ هذا فاقض منه دینک فقلت إنه لحجرّ فقال علیّ ادع الله تعالی بی یتحوّله لک ذهباً فدعوت فصار الحجر ذهباً فقال علیّ خذ منه حاجتک فقلت کیف لی یلین فقال لی یا ضعیف البقین ادع الله تعالی بی حتی یلین فإنّ باسمی ألان الله الحدید لداود علیّ فدعوت باسمه فلان فأخذت منه حاجتی ثم قال ادع الله باسمی حتی یصیر باقیه حجراً کما کان .

طریفة: گویند در اصطلاح اهل انشاء نثر بر سه قسم است نثر مرجز نثر مسجع و نثر عاری اول نثری باشد که کلمات فقرتین اکثر جاها همه هم وزن باشند در تقابل یکدیگر بدون رعایت سجع مثال آن :

صرف اوقات بی فکر و اهب کارساز و خرج انفاس بی ذکر قادر کردگار مضرت تمام و خسر کمال دارد .

و این قسم نثر قلیل الاستعمال است و دویم نثری باشد که کلمات فقرتین یک دو جا یا زیاده در مقابله چنان واقع شوند که قافیه می تواند شد و سیم آن است که از شرایط مرجز و مسجع عاری باشد لیکن با سلاست آن منانت هم باشد.

طریفة: گویند لفظ مرسل که مشهور شده غلط است صحیح آن مرسل به فتح سین است .

طریفة: گویند لفظ مرتهن به فتح هاء صحیح نیست بلکه به کسر هاء است مگر از باب حذف و ابصال باشد.

طریفة: گویند مرجان به معنای مروارید خورد خورد است و به معنای جوهر سرخ رنگ معروف در لغت عرب یافت نشده و بعضی مدعی ثبوت آنند در لغت عرب نیز والله العالم.

طریفة: گویند لفظ مرثیه که به معنای صفت مرده است به فتح میم و کسر ثاء مثله و فتح یاء مخفنه است و به تشدید یاء از اغلاط است.

طریفة: گویند مزجاة که در اغلب صفت بضاعت آورند اسم مفعول از اِزْجاء به معنی چیزی را به سهولت از جایی به جایی بردن است چنانکه در بضاعت قلیلة این معنی تحقق دارد.

طریفة: گویند مسیحا که اسم حضرت عیسیٰ علیه السلام است مُعَرَّب از مشیخا به شین و خاء معجمه است و در زبان سریانی به معنای مبارک آمده و در عربی الف را اسقاط کنند بر خلاف فارسی.

طریفة: گویند مِسَاحَت که به معنای پیمودن زمین است به کسر میم است نه به فتح آن.

طریفة: گویند مَسْفِط الرّأس از باب نَصَرَ يَنْصُرُ به کسر قاف است عَلِيّ خلاف القیاس نه به فتح آن.

طریفة: مشایخ جمع مشیخة است و مشیخة جمع شیخ است.

طریفة: لفظ میشوم از اغلاط است ، صحیح آن مشوم یا مشوم است .

طریفة: مصطکی به معنای صمغ معروف ، به ضمّ میم و فتح کاف با الف آخر که به صورت یاء نورشته می شود می باشد و به فتح میم مع الیاء از اغلاط است.

طریفة: مرتضوی و مصطفوی بثبوت واو از اغلاط است صحیح آن به سقوط واو است چنانکه در نسبت خماسی الف را باید ساقط نمود.

طریفة: گویند زغال معروف صحیح آن زکال به کاف است.

طریفة: گویند سجده را که اسم یکی از سور قرآنی باشد به فتح باید خواند نه کسر.

طریفة: گویند سَمَاق معروف به ضمّ سین و تشدید میم است لاغیر.

طریفة: گویند گوهر شبجراغ گوهری است قیمتی که به شب مانند چراغ روشنی دهد و گویند که گاو دریائی هنگام شب به جهت چریدن از آب بیرون می آید و این گوهر را از دهن برآورده بر زمین می نهد و به روشنی آن می چرد و باز بدهن گذارده به دریا می رود و مردم به کمین آن نشسته آن گوهر را میربایند و الله العالم.

طریفة: سَجَاعَت به فتح است و به ضمّ از اغلاط است و همچنین شحنة به فتح غلط است بکسر شین است.

طریفة: گویند اوّل کسی که از عرب شعر گفت یعرب بن قحطان بود که اوّل شعر او این است:

النّاس من آب و أمّ خلیف جهل و طیف علم

طریفة: گویند جورا شعیر گویند به جهت آنکه بن سراو مو دارد به خلاف گندم. طریفة: شعبده به فتح است نه به ضمّ.

طریفة: در این شعر به صنعت ایهام چهار میوه درج است:

ز باغ حسن خوربانی که بی آبی مباد آنرا

به جز شفتالوی شیرین بهی دیگر نمیدارد

طریفة: سَمَه که به معنای بوی اندک یا یکبار بوئیدن است به فتح است نه به کسر.

طریفة: طرفة العین به فتح طاء است و به ضمّ غلط است و همچنین رجولیت و طفولیت که از مصادر جعلیه است.

طریفة: گویند طلا که به معنی زر باشد بناء منقوطة بوده و به اختلاط عرب و عجم بطاء مطبّقه خوانند و مطلقاً هم گویند.

طریفة: عجوزه گفتن به هاء از اغلاط است و عجوز مذکر و مؤنث در او یکسان است

طریفة: گویند یکی از اسماء مکة شریفه عروض است و خلیل بن احمد واضع علم عروض در مکة مبارکه تیمناً آن علم را به این اسم نامیده.

طریفة: لفظ علاوة به کسر اول است نه به فتح.

طریفة: منصب به کسر صاد است و به فتح آن غلط است.

طریفة: مضاف الیه قصب السبق بفتحین سین و باء است لا غیر.

طریفة: گویند کلمة لاهوت در اصل لا هو الا هو بوده است و بعضی گویند مصدر است از لاه مثل حموت و رغوت.

طریفة: لثه که گوشت بن دندان باشد بتشدید ثاء مثلثه است نه به تخفیف.

طریفة: در حدیثی مروی در کافی است آنکه در ازاء یک درهم حق الناس ششصد نماز از شخص می گیرند و بمن لهُ الحق می دهند.

طریفة: قیل من القلب الی القلب روزنة و ان تباعدت الامکنة.

طریفة: یکی از الفاظ دائره در السنه عرفاء طامات و شطحیات است و گویند طامات سر آمدن آب و پر شدن آن است و اصطلاحاً امری را گویند که باید پوشیده باشد و شطح سرودی را گویند که در جین چرانیدن بزغاله سرآیند.

طریفة: گویند علماء ظاهر چون چراغند و علماء باطن چون ستاره و علماء ظاهر و باطن چون آفتاب.

طریفة: گویند چون بچه شیر به دنیا آید از هر آوازی ترسد مادر او پیش او آید و آوازی در گوش او میکند چون رعد پس از آن دیگر از هیچ آوازی اندیشه نکند و سالکین این مثل را در سلوک اجراء کنند.

طریفة: مضاف جمع مصف به تشدید فاء است و به تخفیف آن غلط است یعنی جای صف زدن.

طریفة: معاف به ضم میم در استعمال مشهور مخفف معافی است و سقوط الف در آن مثل سقوط لفظ یاء صافی است.

طریفة: گویند مغیلان به ضم میم که درخت معروف باشد در اصل ام غیلان بوده و غیلان جمع غول.

طریفة: فی العیون عن مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام انه مر فی طریق فسایر خیبری فمراً بولد قد سال و ركب الخیبری مرطه و عبر علی الماء ثم نادى الی امیرالمؤمنین علیه السلام یا هذا لو عرفت کما عرفت لخبیرت کما خبرت ، قال علیه السلام مکانک ثم اومی بیده الی الماء فجمد و مر علیه فلما رای الخیبری اکب علی قدمیه و قال یافتی ما قلت حتى حولت الماء حجراً فقال له امیرالمؤمنین علیه السلام فما قلت أنت حتى عبرت علی الماء فقال دعوت الله باسمه الأعظم فقال علیه السلام و ما هو قال سألته باسم وصی محمد صلی الله علیه و آله فقال أنا وصی محمد صلی الله علیه و آله فقال الخیبری انه لحق ثم اسلم.

طریفة: گویند کور مادرزاد هرگز در خواب خود را بینا نمی بیند بر خلاف آنکه بعد از تولد نابینا شده باشد که در خواب خود را همیشه بینا بیند.

طریفة: گویند لفظ ملاً ملاء به همزه بوده مثل کبار که صیغه مبالغه می باشد.

طریفة: گویند ملاح مشتق است از ملح به فتح که پروبال طلبیدن است.

طریفة: در جواهر مکنونه آورده آنکه منقول است که هرکه در ورطه و بلیه ای گرفتار شود و راه نجات بسته شود نوزده مرتبه از روی اخلاص بگوید «النَّجَاةُ مِنْكَ

یا سَیِّدِی الْکَرِیْمِ تَجْنِی وَ خَلِّصْنِی بِحَقِّ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیْمِ» و در جای دیگر از آن کتاب بعد از اشراط وضو و رو به قبله و خلوت می گوید هفتاد و سه مرتبه بگوید

نَجَاةُ مِنْكَ یا سَیِّدِی الْکَرِیْمِ تَجْنِی وَ خَلِّصْنِی بِحَقِّ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیْمِ و بعد از اتمام نیز سه دفعه صلوات بفرستند و ناقل ادعای تجربه می کند در آن در شفاء

مرضی و حصول مهمّات ضروریّه.

طریقه: فيه ايضاً نماز به جهت قضای حوائج دو رکعت نماز است در رکعت اول و دویم بعد از فاتحه سورة اخلاص یک دفعه و بعد از سلام هزار دفعه بگوید «یا رَبِّ» و بعد حاجت بخواهد که انشاء الله تعالی حاجت روا است.

طریقه: ايضاً از برای قضاء حاجت دو رکعت نماز است که در کتاب اعمال از حضرت صادق عليه السلام مروی است که هر که را بوده باشد به سوی جناب اقدس الهی حاجتی ضروری و بخواهد که برآورده شود بر بالای بام آید و دو رکعت نماز کند و بعد از سلام به سجده رود و خدا را ثناء گوید و حمد و ثنای او را بجا آورد و صد مرتبه بگوید «یا جبرئیل یا محمّد أنّما کافیائی فاکفیانى و أنّما حافظائى فأحفظانى و أنّما کالئائى فاکلئانى» بر خدا واجب و حق است اینکه کفایت کند مهمّ او را.

طریقه: فى حدیث «إذا زالت الشمس فتحت ابواب السماء و ابواب الجنان و استجيب الدعاء فطوبى لمن رفع له عمل صالح» (۶۷) و فى رواية إنّها الساعة التى تؤتى فيها بجهنم يوم القيمة فما من مؤمن يوفق تلك أن يكون ساجداً أو راكعاً أو قائماً الا حرم الله تعالى جسده على النار.

طریقه: گویند ... در اجسام مثل روحند در ابدان که اگر بدن پاک باشد از آرایش هر آینه مثل آنکه نور در جسم صیقلی اثر کند و جلوه نماید روح هم در بدن چنین اثر کند و او را صافی دارد.

طریقه: گویند اصوات از تموج هوا است و تموج هواء چون تموج آبی است که سنگی در آن انداخته باشند. دایره‌ای حادث شود از آن موج و هی فراخ شود ناتمام شود الا آنکه در هوا شش جهت موج خورد و آب سطح ظاهر او و موج نیک مانند فراخ شدن آبگینه گذاخته از دمیدن آبگینه .

طریقه: فى حدیث عن مولانا الرضا عليه السلام ما معناه لا يجوز أن يكون خلق الأشياء بالقدرة لأنك اذا قلت خلق الاشياء بالقدرة فكأنك قد جعلت القدرة شيئاً غيره و جعلته آلة له بها خلق الاشياء و هذا شرك بل هو سبحانه قادر بذاته لا بالقدرة (۶۸).

طریقه: عن الشيخ الترسى رحمه من ذكر الحى على مريض او مد تسع عشرة مرة شفى و ذكر الحى القيوم فى آخر الليل له فى الزيادة اثر عظيم انشاء الله و من ذكر المهيمن مائة و خمسة و عشرين مرة بورث له صفاء الباطن على اسرار الحقائق.

طریقه: گویند گفتن «یا فتاح» را بعد از نماز صبح بلافاصله در حالتیکه هر دو دست را بر سینه گذارد هفتاد مرتبه به جهت نورانیت دل و گشایش امور و کفایت مهمّات بسیار مفید خواهد بود و گویند هر که شب جمعه بعد از دو رکعت نماز در سجده صد و پنجاه بار بگوید «یا فتاح» حقایق امور کما هی از برای او ظاهر گردد.

طریقه: گویند هر که میانه نماز شام و خفتن هزار و شصت بار بگوید یا غنی صاحب ثروت و غنی شود و در آن ادعای تجربه نموده‌اند.

طریقه: گویند گفتن یا وهاب یک صد مرتبه در نصف آخر شب در حالتیکه سر برهنه و آستین بالا زده رو به قبله باشد به جهت حصول توانگری مفید است و بعضی گویند اگر در زیر آسمان باشد و همچنین صد و سی مرتبه بگوید قریتر در اثر خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریقه: در کتاب عیون از حضرت رسول صلی الله علیه و آله حدیثی را روایت می‌کند در مکالمه جناب موسی عليه السلام با حضرت خداوندی تعالی و اذعان او را با کرام سبحانی او را به کرامتی که احدی از سابقین با او شرکت نخواهد داشت و انکار حضرت الهی تعالی این اذعان را و بیان افضلیت آل محمّد صلی الله علیهم بر او و بر آل او تا آنکه عرض می‌کند موسی یا ربّ کاش من ایشان را می‌دیدم پس وحی شد به سوی او که

ای موسیٰ نخواهی دید تو ایشان را و هنوز وقت ظهور ایشان نیست و لکن ایشان را خواهی دید در جنان و فردوس در حضور محمد صلی الله علیه و آله در حالتی که در نعمتهای آنها در گردش احوال باشند و در خیرات آنها خوشحال، آیا دوست می داری که بشنوانم کلام ایشان را، عرض کرد بلی الهی، فرمود برخیز و بایست در پیش روی من و محکم ببند مئزر خود را ایستادن عبد ذلیل پیش روی پادشاه جلیل پس موسی علیه السلام بجای آورد فرموده حق را پس نداء فرمود پروردگار ما عزوجل و فرمود یا أُمَّة مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس جواب دادند همه ایشان خداوند را و حال آنکه در اصلاّب آباء و ارحام امّات خود بردند بَلِّبِكَ اللَّهُمَّ لَبِّبِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبِّبِكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ وَ الْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند پس خداوند عزوجل قرارداد این اجابت را شعار حاجیان پس ندا کرد پروردگار ما عزوجل یا اُمَّة مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بدرستیکه قضای من بر شما این است که رحمت من سبقت گرفته بر غضب من و عفو من بیش از عقاب من است پس به تحقیق که استجابت کردم از برای شما پیش از اینکه مرا بخوانید و عطا کردم شما را پیش از آنکه سوال کنید مرا کسی که ملاقات کند مرا به شهادت أن لا إله إلا الله وَ خَدَةَ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ضَادِقٌ فِي أَقْوَالِهِ مُجِبٌّ فِي أَعْمَالِهِ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخُوهُ وَ وَصِيَّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ وَلِيُّهُ وَ بَلْتَنْزِمُ طَاعَتَهُ كَمَا بَلْتَنْزِمُ طَاعَةَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ الْمُضْطَفِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْمُبَانِينَ بِعَجَائِبِ آيَاتِ اللَّهِ وَ دَلَائِلِ حُجَجِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِمَا أَوْلِيَائِهِ، داخل خواهیم کرد او را در بهشت خود و اگر چه گناهان او مثل کف دریا باشد پس فرمود پس خداوند تعالی مبعوث فرمود محمد صلی الله علیه و آله را فرمود یا مُحَمَّدُ وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ يَعْنِي نَبُودِي تُو در جانب طور وقتیکه ندا کردیم امت ترا به این کرامت پس خداوند عزوجل فرمود به محمد صلی الله علیه و آله



توانگری یابد و هر حاجتی که دارد روا شود انشاء الله تعالی.

طریفة: قال صاحب کتاب نتیجه المقال فی علم الرجال قَبْرُهُ فی بیان اسباب المدح و منها قولهم ثقة ثقة و عن التعلیقة ان الظن و المشهور انه تکریر اللفظ تاکیداً و ربما قیل الثانی بالتون موضع التاء انتهى و ذکر بعض الأجلاء المتأخرین انه لم اقف علی هذه اللفظة بالتون فیما عندی من کتب اللغة إلا القاموس حیث قال فی نفی و ثقة ثقة اتباع و لکن لا یخفی ان جعلها فی کلام اهل الرجال من التوابع کشیطان حیطان بعید جداً كما ان جعل التابع و المتبوع من المترادفین كما عن بعض بعید ابضاً بل قبل خطأ ثم قال و الإرث جعله بمعنی التقی ای التظیف او حس الباطن الی ان قال و ذکر الاستاذ قَبْرُهُ ان لک ان تقول ان اصلها نقو او نقی بالکسر فالسکون فیها و الاول کل عظم ذی مخ و الثانی مخ العظم كما فی الصحاح و زیدت التاء كما قالوا فی غضة و سنة ان اصلهما عضوة و صنوة او ان اللام ابدلت تاء نظراً الی ما فی الصحاح ایضاً حیث قال فی نقت نقت المخ انقته لغة فی نفوته اذا استخرجته و کانتهم ابدلت الواو تاء.

طریفة: گویند هر سؤالی که خواهی بنویس و ملاحظه نمای که از حروف ۲۸ گانه ابجد چند حرف کم است آنها را اضافه نما بعد بدستور مذکور از حروف حجاتیه ابث هر چند کم است اضافه نما بعد بدستور دائرة ایقغ و دائرة اهطم آنچه به آن ترتیب کم است اضافه نمای که تمام این چهار دائره بالتام داخل سؤال شده باشد یعنی هر حرف از حروف ۲۸ گانه در سؤال تمام شود پس تکسر کند که بزمام رسد جواب شافی ناطق شود در سطور تکسیر البته خواهد بود چون رسیدی از نااهل بیوش.

طریفة: قال الشیخ الزئیس فی معرفة المنی المولد و غیره ان المولد یرسب فی

الماء و الذی لا یوگد یتحلل فیہ و قال ایضاً الشحم المسخن یمین قرون الفحل حتی تمید تحت الید کیف شئت.

طریفة: در خزائن آورده بدانکه اهل عدد به جهت بسیاری از خواص اسمی یا کلامی را تکسیر کنند و تکسیر اسم یا کلام آن است که حروف آن را بر سبیل تقطیع نویسند در یک سطر، بعد از آن در اول سطر دوم حرف آخر سطر اول نویسند، پس حرف اول آن سطر را پس حرف ماقبل آخر را پس مابعد اول را و همچنین تا سطر اول تمام شود بعد از آن در اول سطر سیم حرف آخر سطر دویم را و بعد از آن حرف اول را پس ماقبل آخر را پس مابعد اول را تا سطر سیم تمام شود و بعد از آن به این نحو سطر چهارم را تا بسطری رسد که بعینه اصل اسم یا کلام عود نماید و همان عود را زمام گویند و مکسر همان سطوری است که قبل از زمام است و عدد مجموع سطور قبل از زمام را عدد تکسیر آن اسم گویند تا آنکه بعد از اتیان به مثال می فرماید و این تکسیر که مذکور شد بدون صدر و مؤخر است.

طریفة: ایضاً در آن کتاب است در خصوص دائرة اهطم حروف بیست و هشتگانه ابجد هفت ناری هستند و هفت هوایی و هفت مائی و هفت خاکی و ضابطه آن آنست که حروف ابجد را به ترتیب چهار چهار گیرند اول آتشی دویم هوایی سیم مائی چهارم خاکی بترتیب عناصر اربعة.

طریفة: گویند ذوالنون مصری گفته هر قدر معرفت بیشتر شود حیرت زیادتر گردد چنانکه هر قدر شخص بآفتاب نزدیکتر شود خیره شدن چشم و حواس او زیادتر گردد تا بجائی رسد که محو شود در آن.

طریفة: نسب الی افلاطون الیلهی انه قال الفضائل تستحیل فی النفوس الرذلة الی الرذائل كما تستحیل انعذار الصالح فی البدن الفاسد الی الفساد.

طريقة: قال بعض الاطباء من بات و في بطنه شيء من التمر فقد عرض نفسه لأنواع البلاء و من تناول عند التوم قليلاً من الجوز فقد حصن نفسه من الأذى و من تناول اللبن و الحوامض اسرعت اليه الأمراض و من لم يرتض بالمشى و نحوه قبل أكله فليستهدف للمزمنات و من القوانين الكلية لسائر الامزجة الرياضية قبل الأكل والدخول بالمشى و نحوه إلى الخلاء و عدم شرب الماء إلى حين الهضم فمن لم يستطع فليأخذ القليل من الماء البارد مضافاً من ضيق بعد مزجه بنحو الخل.

طريقة: در کتاب نفایس فنون از شیخ سعد الدین حموی (ره) در کتاب زیاده آورده است که هر که در شب چهارم ماه در آن وقت که ماه به میان آسمان برسد وضوء بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و هر چه خواهد از قرآن و ورد بخواند و بعد از سلام این دو آیه از یس را بخواند که «وَالْقَمَرَ قَدْرَانَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» پس سجده کند و بگوید «أُقْسِمُ بِاللَّهِ عَلَيْكَ بِالْإِسْمِ الْأَخْضَرِ وَالْأَقْمَرِ وَالسُّرِّ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوفِ فِيهِ» هر حاجتی که بخواهد در ماه اول یا سیم یا پنجم یا هفتم رواشود انشاء الله تعالی.

طريقة: عبد الله بن عباس (رض) از حضرت رسول ﷺ روایت می کند که فرمود من استعاذ بالله في اليوم عشر مرات وكل الله تعالى به ملكا بدود عنه الشيطان. و أعوذ از عوذ است و عوذ التجا یا التصاق است. و از حضرت صادق عليه السلام نقل است

که فرمودند: التَّعَوُّذُ تَطْهِيرُ الْفَمِّ عَنِ الْكُذْبِ وَالْغَيْبَةِ وَالْبَهْتَانِ تَعْظِيمًا لِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالِاسْتِيزَانِ لِمَكَالِمَةِ الرَّحْمَنِ بِالْفِرْقَانِ

طريقة: بعضی از علماء گویند در خصوص بعضی از اطوار علم دم آنکه چون از کارها و حاجتی پرسند اگر حروف نام سائل طاق بود و دم از جانب راست رود آن کار تمام شود و حاجت برآید و اگر حروف نام او جفت باشد و دم از جانب چپ رود آنکار بر نیاید و اگر از بیمار پرسد و حروف نام بیمار طاق باشد و دم سائل و مسئول از جانب راست آید بیمار نیک شود و اگر از هر دو جفت و دم هر دو از چپ آن بیمار را خطر باشد و اگر پرسند از دو خصم کدام یک غالب باشد اگر سائل از این جانب آمده باشد که دم زیاده رود هر نام که بیشتر گوید آن شخص غالب آید و اگر سائل از آن جانب آمده باشد که دم کمتر رود هر نام که آخر گوید آن غالب بود و اگر از زن حامله پرسند اگر سائل از جانب چپ آمده باشد و دم از آن طرف بیشتر آن حمل دختر باشد و اگر دم از جانب راست باشد و دم از آن طرف بیشتر رود پسر باشد و اگر از لشگر بیگانه پرسند و سائل از جانب چپ آمده باشد و دم از آن جانب رود آن لشگر نیاید و اگر دم از آن طرف نرود یا خود کمتر باشد آن لشگر نیاید و اگر از غایبی پرسند که زنده است یا مرده اگر سائل از جانبی آمده باشد که دم از آن جانب کمتر بود در آن جانب نشیند که دم زیادت بود زنده است و الا مرده است و اگر از

دزدیده و گریخته پرسند و سائل از آن جانب آمده باشد که دم بیشتر رود باز یابد و اگر از آن جانب آمده باشد که دم کمتر رود دیر باز آید و بیمار همین حکم دارد و اگر در وقت دم راست با زن صحبت دارد فرزند پسر شود و الا دختر.

طریفة: از علمای حروف منتول است که هرکس بوقت طلوع آفتاب در وقت گرما هر اسمی را از اسماء حق که اول او حاء باشد همچو «یا حی یا حکیم یا حنان یا حلیم» را بخواند گرما در او اثر نکند.

طریفة: ایضاً هر که حرف قاف را صد بار بر ورقه ای نویسد و در زیر نگین خاتم نهد و با خود دارد هرگز چیزی بر او پوشیده نشود و خاطر او تیز گردد اما باید که لباس بسیار نپوشد چه در او حرارت بسیار است و اگر آن انگشتری را در آب نهد و بکسی دهد که او را حمی مطبفه باشد باذن الله تعالی آن کس شفاء یابد و اگر در وقتی که ماه در زیادت بود صد بار بنویسد و در آب بشوید و بیاشامد از رطوبات عارضه ایمن گردد و فهم و قوت حافظه او قوی باشد اما باید که بسیار بر این مداومت نکند تا حرارت بر او غالب نشود.

طریفة: ایضاً هر که لفظ خبیر را بیست و پنج بار بنویسد و در آب بشوید برابر دل خود بیاویزد بر اکثر امور جلیله واقف شود.

طریفة: ایضاً هرکس چهار بار این آیه را بنویسد که «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» و با خود نگاه دارد شیطان گرد او نگردد و مضرّتی بدو عاید نگردد.

طریفة: نقل است که وقتی حضرت امام حسن علیه السلام پدر خود را گفت اَنْجِبْنِي يَا اَبَتِ؟ علی علیه السلام فرمود: نعم، حسین علیه السلام گفت کيف نَجْتَمِعُ مَحَبَّتَانِ فِي قَلْبٍ وَاَحِدٍ؟ علی علیه السلام خواست او را بیازماید که در حقیقت تا چه پایه است فرمود: مَا قَوْلِكَ فِيهِ؟ حسین علیه السلام گفت: لَوْ خَيْرَتَ بَيْنَ قَتْلِي وَ تَرْكِ الْاِيْمَانِ مَاذَا تَخْتَارُ؟

علی علیه السلام فرمود: اَخْتَارُ الْقَتْلَ، حسین علیه السلام گفت: فَلِكِ اِذْنٌ شَفَقَةٌ لَا مَحَبَّةَ، علی علیه السلام او را تحسین فرمود و دعاء کرد.

طریفة: فی الرّسالة المهدبه من اراد أن لا یصیبه ریح فی بدنه فلیأکل الثوم کلّ سبعة اّیام مرّة و ایضاً من اراد أن لا تنشقّ شفتاه و لا یخرج فیها ناسور فلیدهن حاجبه من دهن راسه و ایضاً من اراد أن یزید فی عقله بتناول کلّ یوم ثلث هلیلجات بسکر ابلوج و فی بعض النسخ و من اراد أن یزید فی عقله فلا یخرج کلّ یوم بالغداة حتّی یلوك ثلث هلیلجات سود مع سکر طبرزد. قیل لعلّ المراد من ابلوج هنا ما یسمّی بالفارسیة النّبات.

طریفة: فی حدیث قال ابو جعفر علیه السلام انّ فی الملح شفاء من سبعین داء او قال سبعین نوعاً من الأرجاع ^(۶۹) یعنی حضرت باقر علیه السلام فرمودند: بدرستیکه در نمک شفاء از هفتاد درد می باشد و فرمودند اگر مردم بدانند آنچه را در نمک است یعنی از فوائد هر آینه مداوا نمی نمودند مگر بآن و در خبر دیگر است که طلب نمی کردند با وجود او هیچ تریاقی را و در خبر دیگر است که از جمله هفتاد درد یا بلا، جنون و برص و جذام و درد دندان می باشد و بجهت گزیدن عقرب نیز نافع است کما فی الخبر و از اخبار چنین مستفاد می شود هر مرضی را هرگاه بنیّت خالصه و امثال بحدیث معصومی بنمک خصوصاً نمک جریش یعنی خوب نسائیده چنانکه در خبری است مداوا نمایند لابدّ شفاء خواهند دید و راقم آثم بجهت درد دندان باو مداوا نموده مراراً و هرگز تخلف ندیده و بهتر آن است چنانکه متداول است آنکه آرد گندم را با بسیاری از نمک با آتش بجوشانند و بآن مضمضه نمایند.

طریفة: نقل عن کتاب تحفة الملوك قال لا تصنع علی الخبز شیئا من المأكوکات.

طریفة: فی حدیث قال علیه السلام کلوا ما یسقط من الخران فإنّه شفاء من کلّ داء و

ينفى الفقر و بكثر الولد و يذهب بذات الجنب و فى خبر آخر بعد فأنه شفاء من كل داء باذن الله تعالى فمن أراد أن يستشفى به. راقم آثم گوید باید مؤمن در مقام استشفاء غافل از این قسم اخبار که تعمیم در حصول شفاء از دردها را می‌رساند نباشد و غنیمت داند این رحمت موهوبه را در معالجات مطلوبه .

طريفة : فى البحار فى الحديث أنّ التفاح يورث النسيان و ذلك لأنه يولد فى المعدة لزوج (٧٠).

طريفة : قيل ان طلى نوى السفرجل فى الموضع المحترق بالنار او الشمس نافع غاية النفع .

طريفة : فى حديث قال ابو الحسن الثالث عليه السلام لبعض قهارمته استكثر لنا من الباذنجان فإنه حارّ فى وقت الحرارة و بارد فى وقت البرودة معتدل فى الأوقات كلها جيّد على كل حال (٧١).

طريفة : قيل من خواص العسل ان طلاه على اللحم و الشحم و جسد الميت مانع من فسادها .

طريفة : فى حديث أنّ التوم لبيكونون فجرة و لا يكونون بررة فيصلون ارحامهم فتنمى اموالهم و تطول اعمارهم فكيف إذا كانوا ابراراً بررة (٧٢).

طريفة : قيل عن عائشة أنه كان بين يديها عنب قدمته إلى نسوة تحضرها فجاء سائل فأمرت له بحبة من ذلك ، فضحك بعض من عندها فقالت إنّ فى ماترون مثاقيل كثيرة و قلت «فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره» .

طريفة : قيل قال عيسى عليه السلام من ردّ سائلاً خائباً لم تدخل الملكة ذلك البيت سبعة أيام .

طريفة : فى حديث قال عليه السلام اوحى الله تعالى الى داود عليه السلام أنّ العبد من عبادى

ليأتينى بالجنة فادخله الجنة قال يا رب ما تلك الجنة ؟ قال بفرج عن المؤمن كربه و لو بتمرة .

طريفة : فى حديث قال النبى صلى الله عليه وآله اصطنع الخير الى من هو اهله و الى من ليس هو اهله فإن لم نصب من هو اهله فأنت اهله (٧٣).

طريفة : فى ارشاد القلوب للديلمى عن الحسن بن على العسكري عليه السلام أنّ ابادلف الذى كان من اعظام الأمراء و كان مشهوراً بالجود تصدق يوماً بجلة من التمر و كان عدد ما فيها ثلثة آلاف و ستين نمرة فعوضه الله تعالى و أعطاه ثلثة آلاف و ستين نمرة قرية بكل نمرة قرية (٧٤).

طريفة : فى حديث إذا أردت أن تأخذ فى حاجة فكل كسر يملح فإنه اعز لك و أفضى للحاجة (٧٥).

طريفة : فى مفاد حديث: لو أنّ رجلاً أحبّ رجلاً لله لأثابه الله على حبه إياه و ان كان المحبوب فى علم الله من أهل النار و هكذا بالعكس فى العكس (٧٦).

طريفة : فى حديث: لقاء الاخوان مغنم جسيم و إن قلوا (٧٧).

طريفة : فى حديث قال ابو عبدالله عليه السلام إن احببت ان يزيد الله فى عمرى فسرّ اباك (٧٨) اقول لعل لفظ اباك يشمل الحى و الميت جميعاً كما هو الظاهر .

طريفة : از حضرت رسول صلى الله عليه وآله مروىست كسى كه حاضر شود در نكاح زن مؤمنه‌اى فرو رونده خواهد بود در رحمت خداوند تعالى و از برای او خواهد بود ثواب هزار شهيد و خواهد بود از برای او بهر گامى كه بر مى دارد ثواب پیغمبرى و مى نویسند از برای او بهر كلمه‌اى كه تكلم مى كند باز ثواب عبادت يك سال و بر نمى گردد إلا آمرزیده .

طريفة : عن ابى جعفر عليه السلام أنه قال لرجل لا تجالس الأغنياء فإن العبد يجالسهم و

هو يرى ان الله عليه فما يقوم حتى يرى ان ليس لله تعالى عليه نعمة^(٧٩).

طريفة: قبل مما يورث القساوة كثرة أكل اللحم و مداومته يوجب ضعف الباصرة و البلاد و عروض الصفات البهيمية.

طريفة: در كتاب غياث اللغة نقل می کند مفاد اینكه شخصی از اهل كتاب خدمت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام رسید و عرض کرد كه آنچه در كتب ما در خصوص مكث اصحاب كهف در كهف یافت می شود آن است كه ایشان سیصد سال بدون زیاده و نقصان در كهف مكث نمودند و در كتاب شما نه سال علاوه ذكر شده كه می فرماید «وَ لَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَ اِزْدَادُوا تِسْعًا»^(٨٠) حضرت فرمودند سالی كه در كتاب شما ذكر شده مطابق است با اصطلاح اهل يونان و سالی كه در كتاب ما است با اصطلاح عرب مطابق است و تفاوت ما بين سال عرب با يك صد سال يونانيان به سه سال است لهذا بحسب سال عرب در سیصد سال نه علاوه می شود پس در واقع اختلافی در ما بين كتاب ما و شما نیست شخص كتابی اذعان نمود.

طريفة: عن الشيخ المفيد (ره) ان الموجود في مصحف امير المؤمنين عليه السلام تقديم السور المكية على السور المدنية و الآيات المنسوخة على الآيات الناسخة.

طريفة: قيل الإنجيل معرب انكليون لفظ يوناني الأصل بمعنى البشارة والتعليم.

طريفة: عن جامع السيوطي عن الوسيط للطبراني عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال ما اختلفت امة بعد نبيها الا ظهر اهل باطلها على اهل حقها^(٨١)

طريفة: قيل من خصال قوم لوط قص اللحية و طول الثارب و نعى هذا القول الى النبي صلى الله عليه وآله.

طريفة: في البصائر عن ابي جعفر عليه السلام قال: كانت في علي عليه السلام سنة ألف نبي.

طريفة: في كتاب الصراط المستقيم حذف اي عمر البسمة منها و زاد آمين فيها و هي كلمة سريانية.

طريفة: ذكر الراغب في المحاضرات ان عثمان احرق مصحف ابن مسعود و ان ابن مسعود يقول لو ملكت كما ملكوا لصنعت بمصحفهم مثل الذي صنعوا بمصحفي.

طريفة: قيل ابن مسعود اسمه عبدالله و كنيته ابو عبد الرحمن اسند عن النبي صلى الله عليه وآله نيفا و ثلثمائة حديث على ما ضبطه المخالفون و كان رجلاً نحيفاً قصيراً يكاد الجلوس يواريه من فصره و هو من السابقين و صاحب الهجرتين و مصلى القبلتين و كان على قضاء الكوفة على زمن عمر ثم رجع الى المدينة الى أن ضربه عثمان في خلافته.

طريفة: قيل قالت عائشة كان لسلمان رضي الله عنه مجلس من رسول الله صلى الله عليه وآله ينفرد به بالليل حتى كاد يغلبنا على رسول الله صلى الله عليه وآله^(٨٣).

طريفة: عن الشيخ الفقيه شاذان بن جبرئيل القمي رضي الله عنه في كتاب الروضة و الفضائل قال بالاسناد يرفعه الى الثقات الذين كتبوا الاخبار انهم وضحوا ما وجدوا و بان لهم من اسماء امير المؤمنين ثلثمائة اسم في القرآن^(٨٢).

طريفة: در عده الداعي از حضرت صادق عليه السلام روايت می کند آنكه کسی كه بر سلطانی وارد شود كه خوف از او داشته باشد و قرائت كند در وقت مقابله او كه بعض را و ضم كند دست راست خود را در نزد قرائت هر حرفی ضم نماید

انگشنی را پس از آن قرائت نماید خَمَعَسَقُ را و ضمّ نماید بر انگشتان دست چپ خود را بهمان طور مذکور بعد از آن بخواند «وَعَنْتِ الرَّجْوَةُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَفَذَخَاتِ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (۸۵) و بگشاید انگشتان در دست خود را در روی او محفوظ می نبرد از شرّ آن سلطان.

طریفة: مرحوم شیخ بهائی رحمته در کتاب مخلاة می فرماید که بجهت زیادتی قوّه حافظه این دعاء را باید خواند «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَهَمَ النَّبِيِّنَ وَحِفْظَ الْمُرْسَلِينَ وَالْهَامَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

طریفة: در بعضی از اخبار وارد شده آنکه بعد از نماز صبح پیش از نکلّم خواندن سوره جحد و توحید و معوذتین و این دعاء «يا مالِكَ الرَّقَابِ وَيا هازِمَ الْأَحْزَابِ وَيا مُفْتَحَ الْأَبْوابِ وَيا مُسَبِّبَ الْأَسْبابِ سَبَّبَ لَنَا سَبَباً لا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً بِحَقِّ لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَلِياً وَوَلِیَّ اللهُ صلی الله علیه و آله و در خاطر گذرانیدن مطلب را در حین گفتن سَبَّبَ لَنَا سَبَباً لا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً و خواندن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از آن موجب فترحات و ثروات و قضاء حاجات خواهد بود. راقم آثم گوید خواندن سوره حمد را نیز بعضی در این باب علاوه کرده اند و چون در تشخیر تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بمقتضای اخبار اختلاف شده که آیا همان تسبیحات مشهوره متعارفه است یا اینکه این تسبیحات نیز می باشد «سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمَنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصُّفا وَوَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ» چنانکه از میر محمد باقر داماد رحمته منقول است بهر آن است که این تسبیحات را نیز بعد از تسبیحات مشهوره بخوانند تا عمل بمتیقن باشد و الله المتیقن.

طریفة: گویند بمقتضای خوابی که ابوالوقار شیرازی دیده باشد در امورات دنیویّه زیاد باید متوسّل بجناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسنین علیهم السلام شد و در استنزال ارزاق باید متوسّل بحضرت جواد علیه السلام شد و در طلب عافیت باید متوسّل بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام شد و هكذا و طریق توسّل باین نحو است که بگوید «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَوَلِيِّكَ فَلَانٍ وَاسْمِ إمامِ مُتوسِّلٍ بِهِ رَأبِرِدُ إِلاَّ جُدَّتْ عَلَيَّ» مثلاً و هكذا و مطلب را بگوید و تفصیل خراب مذکور در بحار مسطور است.

طریفة: در شرح علی بن میثم (ابن میثم) بر نهج البلاغه در خصوص کلمات متلاقات آدمیه صلی الله علیه و آله می فرماید بعد از بیان اقوال ثلاثه وارده در تعیین آنها: الرَّابِعُ قال سعيد بن جبیر أنها قول لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك عملت سوءاً و ظلمت نفسي فاغفر لي لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك عملت سوءاً و ظلمت نفسي فأرحمني إنك أنت أرحم الراحمين لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك عملت سوءاً و ظلمت نفسي فتنب علي إنك أنت التواب الرحيم. الخامس: قول عائشة لما أراد الله تعالى أن يتوب على آدم عليه السلام طاف بالبيت سبعاً و البيت حينئذ ربه حمرأ فلما صلى ركعتين استقبل القبلة و قال اللهم إنك تعلم سري و علانيتي فأقبل مغدرتي و تعلم حاجتي فأعطني سؤلي و تعلم ما في نفسي فأغفرها ذنوبي اللهم إني أسألك إيماناً تباشر به قلبي و يقيناً صادقاً حتى أعلم أنه لن يُصيبنني إلا ما كتبت لي و رضى بما قسمت لي «فأوحى الله تعالى إليه يا آدم قد غفرت لك ذنبك ولن ياتيني احد من ذريتك فيدعونني بمثل ما دعوتني به إلا فد غفرت ذنوبه و كسفت همومه و نزعته الفتر من بين عينيه و جاءته الدنيا و هو لا يريدُها

طریفة: گویند روایت شده از ائمه هدی علیهم السلام آنکه اذان و اقامة را بنویسند و بر صاحب صداع بندنند نفع خواهد بخشید انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند سورة ألم تُسْرَخ را بر سینه دردناک بخوانی و بجهت درد دل شفا

یابد كما نقل عن مصباح الکنعمی

طریفة: در مسطور است وقتیکه لفظ سوء مضاف باشد بالضمّ

خوانند چنانکه در سوء الحساب و سوء الدّار است و هنگامی که مضافّ الیه باشد بالفتح خوانند چنانکه در ظرّ السّوء و دائرة السّوء است.

طریفة: در کتاب غیاث اللّغة گوید صخره صمّاء سنگی است در بیت المقدس

که در هواء معلّق مانده چون یکبار زنی حامله در زیر آن وضع حمل شده بود لهذا دیواری بزیر آن سنگ کشیده‌اند و گویند که دیوار بآن سنگ وصول نیافته هنوز در هواء معلّق است.

طریفة: لفظ اقرباء بفتح راء غلط است صحیح بکسر راء است چون انبیاء.

طریفة: همزه در کلمه افلاس از برای سلب است یعنی فلس نداشتن.

طریفة: اكلة که اسم مرضی است بمدّ همزة غلط است صحیح آن بفتح همزة بدون مدّ مع کسر کاف است.

طریفة: گویند اوج معرّب اوج است که لفظی است هندی بمعنی طرف بالای هر چیزی.

طریفة: گویند خجلت بفتحات است و خجالت بالف از اغلاط مشهورة است.

طریفة: خزانه بفتح از اغلاط مشهورة است بلکه بکسر است چنانکه گفته‌اند الخزانه لا تفتح.

طریفة: خلعت بفتح از اغلاط است صحیح آن بکسر خاء است.

طریفة: گویند چون افلاطون به سنّ پیری رسید در خم بزرگی نشست شاگردان بموجب وصیّت او سرخم را محکم بستند و در غار کوهی گذاردند و شهرت او به

خُم از این راه است.

طریفة: گویند لفظ خواجه و چاوش ترکی است.

طریفة: گویند دستور بفتح دال فارسی است و مرکّب است از دست که بمعنی مسند و قدرت است و ورکه بمعنای صاحب است و او را تخفیف داده‌اند بسکون چنانکه در گنجور و رنجور و عربی آن بضمّ دال است مثل زنبور زیرا که در عربی و فعلول بفتح نیامده است.

طریفة: گویند دَفّ بفتح مع تشدید الناء بمعنی تار معروف فارسی است و بضمّ آن بدین معنی عربی است.

طریفة: گویند یکی از اهل مکاشنات ابن ابیات را در اشاره بزمان ظهور حضرت بقیّة الله علیه گفته است:

إِذَا دَارَ الزَّمَانُ عَلَى حُرُوفٍ

فان دار الحروف عقیب صوم

و گویند خواجه طوسی قدس در این باب فرموده:

در دور زحل خروج مهدیست

در آخر واو و اوّل راء

طریفة: در کتاب غیاث اللّغة گوید از زمان حضرت آدم علیه تا این زمان همه دور

قمر است و در هر کوكب سیاره هفت هزار سال می‌باشد و دور قمر دور آخر است از

جمله ادوار هفت ستارگان و آدم علیه در ابتدای دور قمر پیدا شده. بعد از آن

می‌گویند مؤلف گوید که چون از

یک هزار و دو صد و چهل و دو هجری است آدم علیه را هفت هزار و یکصد و هفتاد

سال شمسی گذشته از این معلوم میشود که بالفعل دور قمر نیست بلکه دور زحل

باشد و از آن تا حال یک صد و هفتاد سال شمسی گذشته.

طریفة: ایضاً فیه رشته مریم علیها السلام چنان باریک بود که بدون تا کردن یافته نمی شود.

طریفة: ایضاً فیه مقرر است که سالک بمراتب علیا و معرفت واصل نمی گردد تا

این شش لطیفه او را روشن نگردد. اول لطیفه نفس است محل آن ناف باشد دویم

لطیفه قلب است محل آن دل باشد که جانب یسار باشد سیم لطیفه روح است که

محل آن سینه جانب یمین باشد چهارم لطیفه سراسر است محل آن فم معده که ما بین

یمین و یسار سینه است پنجم لطیفه خفی است که محل آن در پیشانی باشد ششم

لطیفه اخفی است محل آن تحت سر است اینها را اطوار ستیه نیز گویند انتهى.

طریفة: قیل فی الحدیث القدسی ان فی جوف ابن آدم لمضغة و فی المضغة قلبا

و فی القلب فؤاداً و فی الفؤاد سراً و فی السرّ خفی و فی الخفی اخفی و انا اخفی.

طریفة: قیل المؤمن لا یخلو من ذلة او فلة او علة.

طریفة: قیل فی الإنسان الطین و النار فلیس له الفرار بالنار و لیس له الحركة بالطین

و الشیطان فی المضمار.

طریفة: قیل الصبر علی اقسام: لله و بالله و علی الله و فی الله و مع الله و عن الله.

طریفة: قیل اللقمة علی اقسام خمسة: لقمة حرام و لقمة شبهة و لقمة حلال و

لقمة شهوة و لقمة عادة و مقتضیات الاولى واضحة و اما لقمة الشبهة فتورث

الوسوسة و الشک و لقمة الشهوة تورث الآمال و الأمانی و لقمة العادة تورث القناعة

و کلام الحكماء و لقمة الحلال تورث رضا الرب.

طریفة: گویند موصل که نام شهری است بفتح میم و کسر صاد است لاغیر.

طریفة: گویند لفظ نزاکت از مستعملات عجمیه است و مشتق است از نازک.

طریفة: گویند در دعای داود علیه السلام وارد شده «یا رازق النعاب فی عشره نعاب

بفتح و تشدید عین و در آخر موخده بمعنای بچه زاغ است و گویند بچه زاغ را دهن

سرخ می باشد مادر و پدرش آن را آتش پنداشته می گیرند بحکم الهی پشه ها آن را

آتش پنداشته پروانه وار در دهان بچه می افتند و قوت او از همان میشود.

طریفة: ورق الخیال بمعنی ینک است.

طریفة: گویند هذیان که بمعنای بیهوده گفتن است بفتح تین است نه بسکون ذال.

طریفة: فی بعض الأحادیث سأل المأمون عن مولینا علی بن موسی الرضا علیه السلام

ما الدلیل علی خلافة جدک؟ قال علیه السلام آیه أنفُسنا قال مأمون لولا نساءنا قال علیه السلام لولا

أبنائنا. قیل مقصود الامام علیه السلام ان المراد من «انفسنا» هو جدنا امیر المؤمنین علیه السلام و

مراد المأمون من قوله لولا نساءنا ان النساء فی مقابل الرجال فمراد الرسول صلی الله علیه و آله من

أنفسنا الرجال لا علی علیه السلام فلا دلالة فیها علی خلافة جدک، فأجاب الامام علیه السلام بان

المراد من أنفسنا لو كان الرجال لما كان معنی حیثئذ لقوله أبنائنا لان الأبناء ایضاً

رجال فتدخل فی معنی الأنفس بهذا المعنی فلا حاجة بعده إلی ذکر الأبناء فعلم ان

المراد من النفسیة الاتحاد فی مقام التورائیة القدسیة و لیس مصداقه فی الفرض و

المضمار الأعلی الوصی له فی کل الاطوار علیه السلام و یحتمل ان یكون مراد المأمون من

قوله لولا نساءنا ابداء احتمال ان یكون المراد من صیغة الجمع اعنی الأنفس الواحد

و عنی به الرسول صلی الله علیه و آله وحده كما ارید من نساءنا كذلك فاورد علیه السلام بالنقص بصیغة

ابنائنا فتأمل.

طریفة: گویند بعضی لفظ حوریه بر حسب قاعده درست نمی آید بلکه صحیح آن

در مفرد حوراء و در جمع حور است مگر آنکه مثلاً انثای از انسان را نسبت دهیم

بحور بهشتی در جمال و غمض عین از جمعیت آن بنمائیم و بگیم حوریة فتأمل.

طریفة: فی احتجاج الصدوق عنه السلام انه روی عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان المؤمن

بخشع له کل شیء و یهابه کل شیء ثم قال اذا كان مخلصاً لله تعالی أخاف الله منه

كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامَّ الْأَرْضِ وَ سَبَاعِهَا وَ طَيْرَ السَّمَاءِ (٨٦)

طریفة: فی خبر من ترتسق شهرا تمحق دهرا یعنی کسی که رستاق نشین شد یک ماه نابود و محو میشود اسم و شأن او در روزگاری یا آنکه احمق می گردد بنا بر آنکه نسخه تحمق بتقدیم حاء بر میم باشد.

طریفة: روی عن سدید الدین محمود الحمصی انه قال فی البلد شیئان و فی الرّسائیق كذلك اما اللّذان فی البلد العلم و الظلم و اما اللّذان فی الرّسائیق الجهل و الدّخل اما الظلم فقد یسری إلى الرّسائیق و الدّخل قد یدهب إلى البلد فیبقى فی البلد العلم و الدّخل و یتقی فی الرّسائیق الجهل و الظلم.

طریفة: قیل روی عن مولانا امیر المؤمنین علیه السلام انه من کتب «الله اکبر» خمسین مرّة و البسملة عشر مرّات و آیه الكرسی و الاخلاص و المعوذتین و ربطها علی عضده فهو طلسم عظیم القدر لا یسأل الله تعالی شیئا الا اعطاء انشاء الله تعالی.

طریفة: سدید که اسم یکی از روایات اخبار است بفتح سین است بر وزن امیر نه بضم آن چنانکه مشهور است.

طریفة: رشید هجری بضم راء و فتح شین است مثل زبیر نه بفتح آن.

طریفة: فاضل متبحر جلیل مرحوم حاجی فرهاد میرزا ره تعالی در یکی از مصنّفات خود نوشته آنکه کلمة ایساغرچی دائر بر السنه اهل منطق در زبان یونانیان بمعنی المقدّمة است چه ایس در لغت ایشان حرف تعریف است و غوجی معرب کوزی است یعنی در آمدن و دخول در چیزی چون منطق مقدّمة حکمت است باید ابتداء در آن داخل شوند پس از آن در حکمت و می گویند تفسیر این کلمه بکلیّات خمس ترجیه بما لا یرضی صاحبه است.

طریفة: الوراق بمعنی المصلح لخراب الکتب المعبر عنه بالصّحاف.

طریفة: فی العمیون قال الرّاوی سمعت الرّضا علیه السلام یقول ما قال فینا مؤمن شعراً یمدحنا به الا بنی الله له مدینة فی الجّنة اوسع من الدّنيا سبع مرّات یزوره فیها کلّ ملک مقرب و کلّ نبی مرسل (٨٧).

طریفة: قیل ماسان من قرى اصغهان و فاشان فی جوار قم و فاشان بالفاء من قرى هرات و ربّما یقال باشان بالباء الموحّدة.

طریفة: لفظ روح که پدر حسین یکی از نواب اربعه است بفتح راء است نه بضمّ چنانکه مشهور است.

طریفة: در کتاب جواهر مکتونه آورده آنکه پیش از برآمدن آفتاب بعد از نماز صبح حمد را بخواند و هفت مرتبه آیه الكرسی بخواند باین ترتیب اول دست راست دویم دست چپ سیّم پیش رو چهارم پشت سر پنجم بطرف آسمان ششم بر تحت قدمها هفتم بر کف دست خود بدمد و بر اعضای خود بمالد و از خانه بیرون آید در نظر همه کس عزیز و محترم باشد و در نظرها محبوب القلوب می شود و دلها بر او مشفق و مهربان گردد و اگر در ساعت زهره و مشتری بنویسد و با خود دارد محبرب دلها شود و اما باید بجهت عمل حرام نکند و اگر خراهد کثیر العلم و الفهم باشد باید آیه شریفه را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بآب قند بخورد اما کتابت بطریق ده وقف و ده عقد باشد و همچنین در خواندن باطراف باید بطریق ده وقف بخواند و ده وقف باین طریق است: (١) الله لا إله الا هو (٢) الحیّ القیوم (٣) لا تأخذه سنة و لا نوم (٤) له ما فی السموات و ما فی الأرض (٥) من ذالذی بشفع عنده الا یاذنه (٦) یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم (٧) و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء (٨) و سیّغ کرسیه السموات و الأرض (٩) و لا یؤده حفظهما (١٠) و هو العلیّ العظیم. و طریق ده عقد آن است که ابتداء از انگشت کوچک یمنی نموده که هر وقتی عقد

انگشتی نماید تا ختم بابهام یسری شود و از امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که هر که را مهمی پیش آید که در آن عاجز باشد باید غسل کند بنیت آن مهم و آیه الکرسی را بخواند بطریق ده وقف و در میان «یشفع عنده» آن مهم را بخاطر گذارند انشاء تعالی آن مهم بموجب دلخواه او بر آید و هر دعائیکه کند و در آن وقت مستجاب شود و ایضاً بعضی از علماء حقّه و پاره از بزرگان دین فرموده اند که از جمله ختمهای معتبر و مجرب ختم آیه الکرسی است بعدد لفظ کرسی یعنی دوست و نرد مرتبه و اکابر و بزرگان شرط کرده اند که باید از وهُو العلیّ العظیم تجاوز نشود و اگر احیاناً از روی سهو تجاوز شود آیه را از سر گیرد و ایضاً گفته اند اگر کسی بعدد نام خود بخواند ابواب فتوحات بر روی او گشوده شود و سعادت باوروی آورد و فقر و فاقه از او دور میشود و اگر از برای تحبیب شرعی بعدد اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثری عجیب مشاهده می شود و غیر از این خواص بسیار و منافع بیشمار دارد انتهى کلامه رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى.

طریقه: قیل از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت قلم تراشیدن سه مرتبه صلوات بفرستد و پنج مرتبه نادعلی را بخواند و بعد کارد بر قلم گذارد و در وقت قط زدن بگوید یا مُسْتَعَانِ اقْضِ حَاجَتِي بعد از آن قط بزند و چون تمام کند بر پشت ناخن ابهام یا بر کف دست نویسد اِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ و شروع در نوشتن کند آنچه بآن قلم نویسد بظهور برسد انشاء الله تعالی.

طریقه: بعضی از بزرگان حروف مقطعه آیه مبارکه «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» را بعد از حذف مُکَرَّر حروف اسم اعظم دانسته اند و در خواندن آن اطوار و آثاری گفته اند و گویند صورت آن بعد از ترکیب قرس یلمن ابوح می باشد.

طریقه: قیل کُل اسم فيه القاف عدده ۱۸۱ بقرء عند غروب الشمس لحصول

المَرَّ وَالْإِقْبَالَ وَالْحِجَابَ وَالذَّوْلَةَ مِثْلَ «بَا قَبُومٌ، يَا قَادِرٌ، يَا مُقْتَدِرٌ».

طریقه: قیل فی الرّسالة المنسوبة الى اميرالمؤمنين علیه السلام من كتب ستّة عشر نونا ليلة الثلاثاء و حمله معه صار سالماً من جميع الامراض و تسهّل عليه تعلّم الامور و صار عند الأكابر ذا وقار و هيبة و اتّسع ذات يده و انشرح صدره و انفتح عليه باب النعم و لم يخف عليه شيء و ليكن ذاكراً لهذين الإسمين عند الكتابة و هي: وقيل كَل اسم فيه النون مثل يا نور يا نافع عدده مائة وستة مرّة وقيل مائة وستة و اربعون مرّة ان قرأه رجع الغائب سريعاً سالماً و ان كتب بالعدد الاول و حمله معه سكن المم.

طریقه: فی الدرّ النّظيم عَن الغزالي إنّ فی القرآن العظيم اربع آيات فی اربع سور متواليات فی كلّ آية عشر قافات من كتبها فی ورقة و جعلها علی رأسه و دخل علی أرباب الجاه عظم شأنه و هابوه هيبة عظيمة . الاولى فی البقرة و هي آلم ترإلی الملائم بین اسرائیل ..الی و الله علیهم بالظالمین (۸۸) و الثانيه فی آل عمران و هي: لَقَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللهَ فَمِیرٌ..الی عذاب الحریق (۸۹) و الثالثه فی النساء و هي: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا..الی و لَا تَظْلَمُونَ فتیلاً (۹۰) و الرابعه فی المائدة و هي: و اتل علیهم نبأ إبنی آدَمَ...الی مِن الْمُتَمَتِّينَ (۹۱).

طریقه: ایضاً فيه انّ من كتب هذه الآية فی ورقة و علّق علی انسان معطل او یرید الخطبة فی عضده الأيمن فإِنَّه ینصرف و یجاب للخطبة بإذن الله تعالی «قُلْ إِنَّهُ الْفَضْلُ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشَاءُ وَ اللهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» (۹۲)

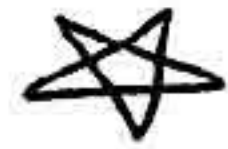
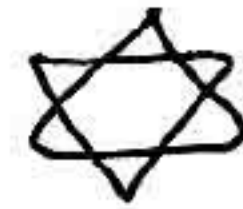
طریقه: فی حرز الامان مذکور انّ من كتب حرف المیم و كتب معه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» ثمانین مرّة و شدّه علی العضد الأيمن او خاطه فی القلنسوره او الثوب و لبسه القی الله

تعالی مهابته و محبته فی القلوب و لوکان مجهولاً و غیر معروف و لو کتبه بشرائطه و امسکه معه مع طهاره الأعضاء و اللباس یطلع علی عالم الجن.

طریقه: ایضاً فیہ منقول عن اغنیاء الصحابه انهم یکتبون هذه الحروف التوراتیه و هی اربعة عشر حرفاً و یوضعونها فی رحالهم و مناعهم للحفظ و هی هذه:

«ال م ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن».

طریقه: قیل مَّا جَرَّبَ و صَحَّ أَنْ مَنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى أَحَدٍ ذَكَرَ كَانَ أَوْ انْثَى صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا یَنْبَغِي أَنْ یَكْتُبَ عَلَى كَفِّهِ الْأَيْمَنِ سُورَةَ النَّصْرِ مَعَ هَذَا الشَّكْلِ وَ قَبْضِ يَدِهِ فَإِذَا تَوَجَّهَ الْمَطْلُوبُ فَتَحَّ يَدَهُ عِنْدَهُ بِحَيْثُ لَا یَفْهَمُ هَذَا الْمَعْنَى الْمَطْلُوبَ.



طریقه: در بعضی از کتب نوشته اند که حمل این شکل که تفسیر آیه «ثُمَّ انزَلْ» است شاید بجهت حصول مغرطه مفید و مؤثر است و قصه عجیبه ای از آن نقل کرده اند و شکل این است.

۵۰۳۹	۵۰۴۳	۵۰۴۶	۵۰۴۲
۵۰۴۵	۵۰۳۳	۵۰۴۸	۵۰۴۴
۵۰۴۴	۵۰۴۸	۵۰۴۱	۵۰۳۷
۵۰۴۲	۵۰۳۶	۵۰۳۵	۵۰۴۷

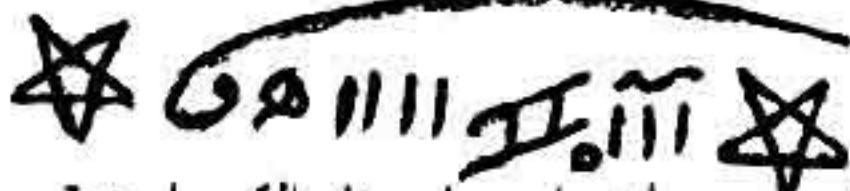
طریقه: یکی از علماء خراسان باین راقم فرمود که این کلمه را در خواب بمن تعلیم نمودند بجهت بلیه ای که گرفتار شدم و از برکت مداومت بر آن از آن بلیه نجات یافتم «عبدالله أبا الفضل دخیلک».

طریقه: در مکارم الاخلاق از حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام روایت می کند که فرمودند هرگاه ترا مهمی بوده باشد پس چهار رکعت نماز بجای آور و قنوت و رکعات آنها را خوب بجای آور و قراءت کن در رکعت اولی سوره حمد را یک مرتبه و هفت

مرتبه «ما شاء الله لا قوه الا بالله ان ترن انا اقل ما لا و ولدآ» (۹۳) و در رکعت ثانیه حمد یک مرتبه و هفت مرتبه «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» (۹۴) و در رابعه حمد یک مرتبه و هفت مرتبه «و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» (۹۵) پس سؤال کن حاجت خود را.

طریقه: در کتاب وسائل فرموده نماز حضرت حجّت علیه السلام دو رکعت است در هر رکعت حمد را می خوانی تا «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بعد از آن حمد را تمام می کنی و یک مرتبه سوره اخلاص را می خوانی پس از آن این دعاء را می خوانی «اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و صاقت الارض و منعت السماء و الیک بار رب المستکفی و علیک المعول فی الشده و الرخاء اللهم صل علی محمد و آل محمد الذین امرتنا طاعتهم و عجل اللهم فرجهم» (۹۶).

طریقه: از جمله عرذات نافذات و طلسمات عظیمات بجهت کلیه مهمات که از مجربات محرر این ورقات مرتبات است و به خواست خداوندی از اسرار مهتوکه الاسرار شده این عوده و رقیه می باشد که در اشعار منسوبه بجناب ابن عباس نقل از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره بترتیب و طریقه ترفیم آن شده فاحفظها و خذها

بقوه و اشعار مذکوره چنین است:  ثلث عصى صفت بعد خاتم
علی راسها مثل السهام تقومت
و میم طمیس ابتر ثم سلم
و فی وسطها کالحریتین تشبکت
و اربعة تحکی الانامل بعدها
تشیر الی الخیرات و الرزق جمعت
و هاء شقیق ثم واو مقوس
کانبوب حجّام من السر التوت
و آخرها مثل الأوائل خاتم
خماسی ارکان و للسر قد حوت
فهذا هو اسم الله جل جلاله
و اسمآؤه عند البریه قد سمت

فهذا هو اسم الله يا جاهل اعتقد
 فخذ هذه الاسماء الشريفة و اخنها
 بها العقد و الميثاق و الوعد و اللّقاء
 و من كان حاملها من الخوف ابق
 و ان كان مضروعاً من الجن واقع
 فمن آخر النورية فيهن اربع
 و خمس من القرآن هن تمامها
 فلا حية تخشى و لا عقربا تری
 و لا تخش من سيف و لا تخش خنجرا
 فیا حافظ الاسم الذی جلّ قدرة
 وَ صَلَّى الهی بكرة وَ عشية
 نوسلت يا رَبّ إليك بجاهم
 قوله طمیس ای ذهب البصر ، قوله انخبت من الانخباء بمعنى الانطفاء ، قوله لایها
 جمع اللّونة بمعنى الحرّة قوله بهمة الهممة الصوت الخفی و من اسامی الاسد
 الهمیم کبرطیل و بعضی بفارسی کیفیت ترفیم آن را بشعر در آورده اند باین گونه :

هست منقول از امام امم
 خبر معتبر که هست در او
 کفعمی ذکر کرده در مصباح
 ابن عباس نظم کرده ورا
 عربی بود لفظ آن ابیات
 اولین خاتمی همی باید
 شاه مردان و بحر علم و کرم
 صورت اسم اکبر اعظم
 لیک بر حاشیه نموده رقم
 آن پسر عمّ سید عالم
 ترجمه کردم بش بلفظ عجم
 که بود پنج گوشه آن خاتم

لیک شرط نوشتنش آنست
 بنویسد عقیب آن سه الف
 بر سر هر سه چون سنان مدی
 بعد از آن میم بی دمی باید
 بعد از آن نردبان سه پایه
 بعد از آن چار الف بود هم سر
 هست آنگاه هاء و پس واوی
 سیزده حرف باشد این صورت
 چار حرف وی است از توریة
 پنج حرف دگر ز قرآن است
 ایکه تو حامل چنین اسمی
 از و بیا و علل تو آزادی
 نگزد مار و عقربت هرگز

که نراند بر آن دوباره قلم
 که بود جملگی برابر هم
 بکشد لیک سازد آن را خم
 که بود کور و چشم آن برهم
 که نباشد از این زیاد و نه کم
 چون انامل ستاده پهلوی هم
 که بود کج سرش چو شاخ حجم
 هر یکی در صفا چو باغ ارم
 چار ز انجیل عیسی مریم
 اسم اعظم همین بود فاقهم
 ایمنی از همه بلا و سقم
 وز تب و درد و غصه ها و ألم
 نشوی تا ببری غمین و دژم

مؤلف گوید آنکه مفاد این اشعار فارسیّه با مفاد آن اشعار عربیّه سابقه در این باب ،
 در دو امر مخالفت دارد یکی در عدد پایه های صورت نردبان که در این اشعار سه
 تعیین نموده و در اشعار سابقه به دو و یکی در لزوم خاتمی دیگر که

همه باید نوشته شود چنانکه در اشعار سابقه تصریح به آن شده و در این اشعار اصلاً
 متعرض آن نشده و طریق حزم برسم هر دو قسم که موجب جزم است متصور
 می شود و هو هكذا:

☆ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ ☆
 ☆ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ اَآ ☆

و مؤلف بطریق رمز تسهیلا این بیت را در این باب گفته:

أَجْجِعْ وَأَسْ وَأَمَّ سَلَّمَ دَعَّ آةَ وَأَوَّ وَأَخَّ هِيَ اسْمُ اعْظَمَ

حروف اوایل اشاره بعدد و حروف اواخر اشاره باصل صور است و از ظاهر اشعار عربیة مزبوره مستفاد می شود آنکه باید شکل چهار الف بشکل چهار انگشت بوده باشد از جهت پهلوی یکدیگر بودن و از جهت تفاوت در مقدار نیز والله العالم.

طریفة: در کتاب شفاء الصدور از شیخ بهائی (ره) نقل کرده آنکه هفت عدد جو برمیداری و می خوانی بر هریک از آنها هتصد و نود مرتبه فتاح و رزاق و بعد از اكمال عدد قرائت می گذاری آنها را در کیسی که مهیا نموده از برای نفقه، بعد از آن بر روی آنها بریز چند درهم که عدد آن مجهول باشد پس هرگاه محتاج ببرداشتن آنها شدی بِسْمِ اللَّهِ بگو و بردار و همچنین هرگاه خواسته باشی درهم دیگر بگذاری بگذار آنها را بلا عدد و هكذا والرّاقم الآثم بقول:

صُنَّ السَّرَّ عَنْ كُلِّ مُسْتَخْبِرٍ وَ حَادِزٍ فَمَا الْحَرَمَ إِلَّا الْحَذِرَ

اسیرک سرک ان صنته و أنت اسیر له ان ظهر

و هذا منظوم کلام ناظم ملکوت الحقایق و العلوم مولانا امیرالمؤمنین علیه سلام الله الملک: «سُرُکَ اسیرُکَ فَإِنْ تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ اسیرَهُ» (۹۷).

طریفة: ایضاً در کتاب مذکور مذکور است آن که من قواعد الحمد انه من کانت له الی الله تعالی حاجة قد عظمت علیه فلیقرأها بالترتیل و الترتیب فی ایمان و تصدیق سبع مرّات و هو مستقبل القبلة علی وضوء کامل بحضور قلب بعد صلوة رکعتین تقرأ فی کلّ رکعة بعد الفاتحة سورة الاخلاص ثلث مرّات و یسأل الله تعالی حاجته قضیت فی اسرع وقت انشاء الله تعالی ان کان الوقت لیلاً فما یصبح الا و قد قضیت حاجته فی اسرع وقت و ان کان نهراً فما یمسى الا و قد قضیت تلك الحاجة و ذلك بفضل الفاتحة و برکاتها و ذلك بفضل الله تعالی والله یرزق من یشاء بغير حساب.

طریفة: ایضاً فیہ ممّا جرّب و صحّ أنّ من قرأ بین صلوة الصّبح و نافلتها احدى و اربعین مرّة و داوم علی ذلك اربعین يوماً من غیر خلل قضی الله تعالی حاجته کائنة ما کانت حتّی لو کان عقیماً رزقه الله تعالی الذرّیة و من منافعها أنّها إذا قرئت علی و جمع الضّرس عوفی باذن الله تعالی.

طریفة: و فیہ ایضاً من کتب حروف اسم الله تعالی اعنی الرّحمن و حروف اسم الجلالة فی إناء نظیف و محاسنها بماء ورد او ماء زمزم او ماء المطر و شربه علی الرّیق ثبت الايمان فی قلبه و نور قلبه حتّی یری المغیبات فإن داوم علی ذلك اربعین صباحاً یکن له شأن عظیم و یصیر من اهل الکشف ببرکة هذه الاسماء.

طریفة: از رساله لیلیة شیخ صفی الملة و الدین نقل شده باین عبارت دعائیکه الحقّ منزلت سرّ مکتوم و مرتبة درع حصین دارد الی آخر ما ذکره من المبالغات الاکیدة فی تأثیره این دعاء است:

«الهی یحقّ الحسین و اخیه و جدّه و أبیه و أمّه و بنیه و شیعتیه و موالیه و قبریّه و ساکینیه و زوّاریه و مجاوریه خلّصنی من الغمّ الذی انا فیہ یا قاضی الحاجات یا سميع الدّعوات یا منزل البرکات یا دافع البلیات برحمتک یا ارحم الراحمین»

طریفة: قیل یکی از اکامل مستعدین بشرف و حضور باهر النور حضرت بقیة الله علیها فیض یاب شده و این کلمات مفحّمات را از آن صقع اعظم اقدس فراگرفته و در آنها خواصّ و قوائد عجیبه غریبه ای ذکر کرده که این رساله را مجال ذکر آنها نیست «حسبى الله ربى الله توکلت على الله اعتصمت بالله فوضت أمري الى الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم اللهم صلّ علی محمد و آل محمد یا حی یا قیوم برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریفة: قیل إذا أردت أن تعلم أنّ المال المنهوب و المسروق یعود ام لا فانظر الی

اليوم الذي نهب فيه ثم عد من اول الشهر إلى ذلك اليوم على حسب الشهر العربي
فاول يوم منه آدم عليه السلام والثاني حواء عليه السلام والثالث ابليس لعنه الله تعالى و على هذا
حكم الشهر كله فاذا جاء آدم فهو يرد لا محالة وان جاء حواء فهو يرد بعد مدة وان
جاء ابليس فهو لا يرد أبداً.

طريفة: از یکی از محدثین علیاً منقول است که روزی شخصی بر سید
کائنات صلی الله علیه و آله وارد شد و دید که آن جناب در صدر مجلس نشسته اند و جناب سید
اوصیاء علیه السلام در آخر مجلس تشریف دارند پس آن شخص عرض کرد که یا
رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه است که می فرمائی علی علیه السلام نفس من است و حال آنکه
جناب شما مردی میباشی و در صدر مجلس تشریف داری و جناب علی علیه السلام
مردی دیگر است و در آخر مجلس نشسته است؟

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که بحکم خداوندیو آیه مبارکه «انفسنا»^(۹۸) را از برای او
تلاوت فرمودند آن مرد ساکت شد لکن دفع استبعاد او نشد. پس چون آن جناب
سکوت و تحیر او را دیدند خواستند رفع این تحیر از او بشود باو فرمودند ای مرد
می خواهی مشاهده کنی تا ترا مقام عین البقین حاصل گردد عرض کرد بلی ، پس
آنحضرت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام را پیش طلبیدند تا آنکه بر دامان خود نشانیدند
پس دست در آغوش او در آورده و مثل کسی که خمیازه کشد او را فشاری دادند و
بجناب خود کشیدند آن مرد می گوید که چنان جسد آنحضرت در جان رسول الله
مندرج شد که اثری از او نماند پس باز مرد فرمودند آبن علی؟ یعنی چه شد
علی علیه السلام آن مرد می گوید هر چه نظر کردم جناب علی را ندیدم پس تعجب من زیاد
شد ناگاه دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدست خود اشاره فرمود و بزبان خود فرمود
اخرج یا علی پس دیدم دفعتاً حضرت امیر علیه السلام ظاهر شدند و بقهقری برگشتند بآخر

مجلس در حالتی که روی او بجانب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

طريفة: در حدیث است که راوی از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که این
حدیث شریف «لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها» از شما و آباء شما است؟
فرمودند بلی و لکن معنای آن چنان نیست که شما فهمیده اید راوی عرض کرد پس
معنای آن چگونه است؟ آن جناب فرمودند که «لولا الحجة لم تبق الأرض حتى
تكون ساخنة» یعنی اگر نبوده باشد حجت الهی نمی ماند زمینی تا آنکه منخسف
شود با اهلش.

طريفة: در روضات الجنات نقل کرده که سید داماد علیه السلام بشیخ بهائی قدس سره
الاهی این رباعی را نوشت:

ای سرّ ره حقیقت ای کان سخا در مشکل این حرف جوابی فرما

گوئی که خدا بود و دگر هیچ نبود چون هیچ نبود پس کجا بود خدا

شیخ مرحوم مرقوم در جواب او این رباعی را نوشت:

ای صاحب مسئله تو بشنو از ما تحقیق بدان که لامکانست خدا

خواهی که ترا کشف شود این معنی جان در تن تو بگو کجا دارد جا

راقم آنم گوید بنظر این حقیر شیخ مرحوم در فهم رباعی سؤال سید مرحوم اشتباه

فرموده و گمان کرده که مقصود از سؤال آن مکان خداست و حال آنکه این سؤال با

دانش و جلال امثال سید بزرگوار مفضال بی مثال کمال اسبعاد احتمال بل محال

پنداشته می شود بلکه ظاهر آن است که مراد او این است که هرگاه خالق باشد

بی خلق عنوان خالقیت و خدائیت که صفت اضافیه می باشد درست نمی آید و این حاوی جهالت در این مقالت این رباعی رباعی را محاولت داشته:

ای شیخ مراد سید از لفظ کجا نبود طلب فهم در اینجا از جا
حاشا زو هس بلکه مراد آنکه اگر جزا و نبدی نبد خدائیش بجا
طریفة: للشیخ المرقوم المرحوم:

فی یثرب و الغری والزوراء و الطوس و کربلاء و سامراء
لی اربعة و عشرة هم فی الحشر و هم حصنی من اعدائی

طریفة: روی آن رسول الله ﷺ قال: یحشر صاحب الغناء من قبره أعمى و
أخرس و أبکم، و یحشر صاحب المزمار و صاحب الدف هكذا و نقل آن
امیرالمؤمنین علیهما السلام سمع رجلا یضرب بالطنبور فمنعه و کسر طنبوره ثم استتابه فتاب
ثم قال أتعرف ما یقول الطنبور حین یضرب؟ فقال وصی رسول الله ﷺ اعلم فقال
انه یقول: ستندم ستندم یا صاحبی ستدخل جهنم یا ضاری

طریفة: فی البحار قال ابن ابی عمیر حدثنی هشام بن سالم عن ابی عبدالله علیهما السلام
قال لا تتركوا رکعتین بعد العشاء الآخرة فإنها مجلبة للرزق تقرء فی الاولی الحمد و
آیه الكرسی و قل یا ایها الکافرون و فی الثالثة الحمد و ثلث عشر مرة قل هو الله احد
فإذا سلمت فأرفع یدیک و قل اللهم انی أسألك یا من لا تراه العیون و لا تخالطه
الظنون و لا یصفه الواصفون یا من لا تغیره الدهور و لا تبلیه الازمنه و لا تحلیه الامور
و یا من لا یتذوق الموت و لا یخاف الفوت یا من لا تضربه الذنوب و لا تنقصه المغفرة

صلی علی محمد و اله و هب لی ما لا ینقصک و اغفر لی ما لا یضرك و افعل بی کذا و
کذا و تسأل حاجتک و قال علیهما السلام من صلیها بنی الله تعالی له بیتا فی الجنة (۹۹)

طریفة: در اغلب احادیث در خصوص ثواب بعضی از اعمال ثواب آزاد کردن
بنده از اولاد اسمعیل علیهما السلام ذکر شده و در تخصیص این ثواب در این باب یعنی اولاد
آن جناب وجوهی ذکر کرده اند و لکن اوجه وجوه جهتیت که در مجمع البحرین در
ماده مشا ذکر کرده این است. فی الحدیث: ان اسمعیل اتی اسحق علیهما السلام فقال له الم
نرث من ابینا مالاً و قد اثرت و امشیت فأف علی مما افاء الله علیک فقال الم ترض
ائی لم استعبدک حتی تجیئنی فتسألنی المال ثم قال قوله اثرت و امشیت ای کثر
مالک و کثرت ماشیتک و قوله لم استعبدک ای لم اتخذک عبدا قبل کانوا يستعبدون
اولاد الانبیاء من الإماء و کانت ام اسمعیل امة و هی هاجر و ام اسحق حرّة و هی
ساره. (و فیه: حضرت اسماعیل و حضرت اسحق علیهما السلام هر دو پیامبر و معصوم
از خطا بوده اند و لذا اینگونه روایات مجهول السند معلوم البطلان است چون
انبیاء علیهما السلام اینگونه با هم سخن نمی گویند).

طریفة: گویند مواظبت بر ذکر شریف یا حی یا قیوم موجب وسعت عیش و
گشایش در امور خواهد بود.

طریفة: در جواهر مکنونه آورده آنکه از شیخ بهائی (ره) منقولست که هر که صد
بار این دعاء را بخواند با شرایط تاده روز هر روز ده بار و ابتداء از روز چهارشنبه کند
اگر مطلب او روا نشد با من مخالصة کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا ذَلِيلَ

الْمُتَحَيِّرِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَقْضِ حَاجَتِي وَانْقُضْ مُهْمِي
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ».

طریقه: ایضاً در آن کتاب است که در روز چهارشنبه دو رکعت نماز حاجت کند
بنیت آنکه خداوند بی نیاز او را غنی و صاحب ثروت کند و چهل نوبت سوره الکوثر
را بخواند که انشاءالله تعالی از برکت آن سوره مبارکه مال بسیار نصیب او می شود.

طریقه: ایضاً فيه اگر کسی را حاجتی باشد که از برای او امید فرجی هیچ جا
نباشد در نصف شب یا ثلث آخر شب دو رکعت نماز حاجت کند بهر سوره که
خواهد و بعد از فراغ از دعاء دست بردارد و بعد از نماز هفتاد بار بگوید: «يَا أَبْصَرَ
النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا
أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ» و بعد از فراغ از دعاء دست بردارد و حاجت بطلد و تأثیر این
دعاء از برای حقیر تجربه شد و بعد از خواندن یک روز نگذشت که چشم من جهت
فتح و فیروزی و نجات مطلب روشن شد و دلم شاد الحمد لله الف الف مرّة انتهى.

طریقه: منقول است از حضرت صادق عليه السلام آنکه باین حماد فرمودند بنویس
آیه الکرسی را در ظرفی و بجرعه آب بشوی و بیاشام شفاء یابی از تب انشاءالله
تعالی.

طریقه: در حلیة المتّقین حدیثی را نقل نموده که چیزی بجهت درد گلو بهتر از
شیر نیست.

طریقه: گویند هرگاه ده نفر بجهت عزل و آوارگی حاکم جائری هر یک ده مرتبه
آیه الکرسی بخوانند معزول گردد انشاءالله تعالی.

طریقه: فی خزائن التّراقی (ره) خواندن آیه مبارکه نور در وقت خواب شصت و

شش مرتبه منشاء حصول سیر در عالم رؤیا می شود انشاءالله تعالی مجرباً.

طریقه: از حضرت صادق عليه السلام مروی است که هر که سوره قدر را بجهت زیادتی
نور چشم بیست و یکبار بخواند خداوند تعالی بنماید به او آنچه بهتر از آن نباشد و
نور چشم او را کرامت فرماید.

طریقه: طریقه ختم آیه مبارکه نور بجهت کشف علوم غامضة الهیه و افاضات
خاصة سبحانیّه و منامات صادقه رحمانیه خصوصاً شرفیاب شدن حضور موفور
السّور ائمة انام عليه السلام بدین گونه است در اربعین اول چهارده مرتبه صلوات بفرستد
بحضور قلب که گویا خدمت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم نشسته است با
کمال خضوع و خشوع سر برهنه نموده در زیر آسمان چهارده مرتبه آیه مبارکه را
تلاوت نماید و بعد از آن چهل و یک مرتبه صلوات بفرستد و اگر ممکن نباشد یا
خوف ضرر داشته باشد از زیر آسمان بودن در حجره هم خوب است و در آن مکان
قدری بخوابد و ابتدای شروع در روز یکشنبه باشد و قمر زائد النور، روز اول غسل
کند و با غسل مشغول تلاوت گردد و دانسته باشد که این طریق صعب است هر که
مشغول گردید در زمان اشتغال خوابهای غریبه عجیبه خواهد دید و پروازها خواهد
کرد و بدریاه خواهد افتاد و در دریاهای عظیمه غوطه ور خواهد شد و اصوات
موحشه خواهد شنید و در ابتدای اشتغال قاری را خواهند ترسانید و اگر از ترس
منزجر نگردد معلوم چند مثل کیمیا و سیمیا و لیمیا نوید خواهند داد بلکه می گویند
اگر خواسته باشی از عاقبت هر که بخوبی مطلع شوی خواهی شد، قاری خالص و
مرید مخلص باید دل از اینها برکند و بآنها دل نبندد تا مراد حاصل شود و بگوید که
بجز رسیدن موالی خود داعی و اراده ای ندارم تا آنگاه او را داخل باغی خواهند

نمود و استادان فرموده‌اند بیش از این نباید گفت ، خلاصه مطلب آنکه در آن باغ قصری خواهد بود و طالب بحسب استعداد و قابلیت و ریاضت بمطلوب خواهد رسید و هر که طالب شد و سیر کرد آنچه را دید و باو گفتند بکسی نگویید و اگر خواهد او را ترقی دهند در اربعین ثانی آیه مبارکه را ۲۸ مرتبه بخواند و صلوات مقدمتین بخواند و در اربعین ثالث آیه مبارکه را بعدد حروف مکتوبی آیه مبارکه و در اربعین رابع بعدد لفظ نور در عدد جمل (۲۵۶) بخواند و اوراد مختصه باین سلوک این است که در مابین العشائین این دو کلمه مبارکه را کتهیعض (۱۹۵) و حمعسق (۲۲۸) مرتبه بخواند و این طریقه را نسبت بمرحوم آخوند ملاً محمد علی مشهور به آبی (ره) می دهند عملاً و تجربه. راقم آثم گوید در این طریقه متعرض صوم در اربعینات نشده‌اند و در بعضی از طرق ختمیه این آیه مبارکه اشترط صوم در اربعینات ذکر شده و ظاهر آن است که مطلق قرائت آیه مبارکه مزبوره در اربعین و کوف بدون صوم ذکر کلمتین مزبورین هم باشد منشأ آثار قدسیه و انوار الهیه خواهد بود انشاء الله تعالی و لکن بشرط حفظ اطوار تهذیبیه قلبیه.

طریقه: فی روایة قال ابو عبد الله عليه السلام ما سَدَّ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ بَابَ رِزْقِ الْاَفْتَحَ اللهُ تَعَالَى لَه مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ عَنْهُ عليه السلام اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ اَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُوْنَ وَ ذَلِكَ اَنَّ الْعَبْدَ اِذَا لَمْ يَعْرِفْ وَجْهَ رِزْقِهِ كَثُرَ دَعَاؤُهُ (۱۰۰).

طریقه: از قصص راوندی و کتاب حیوة القلوب مرحوم قدسی مجلسی (ره) حکایت شده آنکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که چون یهودان جمع شدند که حضرت عیسی علیه السلام را بکشند جبرئیل علیه السلام آمد و آن حضرت را ببال خود گرفت چون عیسی علیه السلام ببالا نظر کرد دید که بر بال جبرئیل علیه السلام نوشته است «اللَّهُمَّ اِنِّي

اَدْعُوكَ يَا سَمِيكَ الْوَاحِدِ الْاَعَزُّ وَ اَدْعُوكَ اللَّهُمَّ يَا سَمِيكَ الْكَبِيْرَ الْمُتَعَالِ الَّذِي هُوَ اَثْبَتَ اَرْكَائِكَ كُلَّهَا اَنْ تَكْشِفَ عَنِّي مَا اَصْبَحْتَ وَ اَمْسَيْتَ فِيْهِ « و در بعضی از نسخ «الذی ثبت اركانك كلها» ثبت است بدل هو اثبت پس عیسی علیه السلام این دعاء را خواند خداوند تعالی وحی کرد بسوی جبرئیل علیه السلام که او را بلند کن بجانب محل کرامت من و باسمان بالا بر پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که ای فرزندان عبدالمطلب سؤال کنید از پروردگار خود باین کلمات که سوگند می خورم بحق آن خداوند که جان من در دست قدرت او است که هر بنده‌ای که باین کلمات دعاء کند باخلاص عرش خدا بلرزه درآید از دعای او و حق تعالی بملائکه وحی فرستد که گواه باشید که دعای او را مستجاب کردم و حاجتهای او را در دنیا و آخرت به او دادم بسبب این کلمات. اقول چون فیاضیت مطلقه کلیه کم لازمه مقام اجابت است توقف دارد بر چهار مرتبه یکی مرتبه واحدیت که مقام بروز اسماء و صفات باشد دویم مرتبه عدم و تناهی که مقام مبدئیت و قیومیت و فیوض جبروتیه که مقام صمدیت است سیم مرتبه عدم تناهی در فیوض ملکوتیه که مقام عظمت باشد چهارم مرتبه عدم تناهی در فیوض ناسوتیه که مقام کبریائی است و این دعاء شریف لامع حاوی و جامع همه این مراتب سواطع می باشد لهذا در تحقق تأثیر او در اجابت بشرط نصوص و اصابت و تفریغ قلب که دعای وجودی و اسم اعظم شهودی است هیچ ریبی نخواهد بود فتصبر بالبصر الأنور.

طریقه: قیل ان الذرة فی قوله تعالی فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ التَّمْلَةَ الصَّغِيرَةَ الَّتِي لَا تَكَادُ تَرَى وَ يُقَالُ اِنَّ الْمَاءَ مِنْهَا زَنَةَ حَبَّةِ شَعِيرَةٍ وَ مِثْقَالُ الشَّيْءِ مِثْلُهُ فَمَعْنَى مِثْقَالِ الذَّرَّةِ مِثْلُ الذَّرَّةِ اَقُولُ لَعَلَّ الْمُرَادَ مِنَ الذَّرَّةِ عَلَيَّ هَذَا التَّعْبِيرُ هُوَ الَّذِي

استکشف بالمکبرات الفرنجیة فی هذه الاعصار و یعبر عنه فی اصطلاح
الافرنجیین بالمیکروب فتبصر^(۱۰۱)

طریفة: از جمله اسبابهائیکه موجب مودت مؤمنین می شود اقبال در صلوة
است چنانکه از معصوم علیه السلام روایت شده و فرمودند لا تجتمع الرّغبة و الرّهبه فی
قلب الا و جبت له الجنّة فاذا صلیت فاقبل بقلبك علی الله عزّوجلّ فانه لیس من عبّد
مؤمن یقبل بقلبه علی الله عزّوجلّ فی صلوته و دُعائه الا اقبل الله علیه بقلوب
المؤمنین و ایدهُ مع مودّتهم ایاه بالجنّة^(۱۰۲)

طریفة: ایضاً از جمله موجبات جلب قلوب و محبت آنها و هیبت در انظار
چنانکه در اخبار آل اطهار علیهم السلام وارد شده خواندن این دعاء است در سجده ما بین
اذان و اقامة: «ربّ لک سجّدتُ خاضعاً خاشعاً ذلیلاً».

طریفة: ایضاً از اسباب محبوب القلوب شدن احتراز از غیبت مؤمنین و مؤمنات
است.

طریفة: فی کتاب معتصم الشیعة قد سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن اسم الله الاعظم قال
کلّ اسم من اسماء الله تعالی اعظم و فرغ قلبک عن کلّ ما سواه و ادعه بائی اسم شئت
و لیس فی الحقیقة لله اسم دون اسم بل هو الله الواحد القهار^{۱۰۳} اقول تقرغ قلب
عبارت از غلبه جنبه یلی الرّبیّ است که در لسان عارفین بوجه الله تعبیر می شود
فافهم.

طریفة: بجهت ضعف بدن و لاغری از حضرت صادق از حضرت باقر
علیهما السّلم روایت شده که فرمودند شکا نوحٌ إلى ربّه عزّوجلّ ضعف بدنه فاوحی
الله تعالی الیه أن اطبخ اللحم (و فی بعض الاخبار لحم الضأن) بالکین فکلها فإتی

جعلت القوّة و البرکة فیهما و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند: إن
ازّدت أن تزيد فی لحمک فاذخل الحمّام علی شبعک و ان أردت أن تنقص فی
لحمک فاذخله علی الرّیق^(۱۰۳)

طریفة: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند به سلمان (رض):
اشکمت درد؟ قم فصلّ، ایضاً مروی است که شکوه کرد مردی بحضرت امیر علیه السلام
از درد شکم حضرت فرمودند او را که آب گرم بیاشامد و بگوید یا الله یا الله یا
رَحْمَنُ یا رَحِیمُ یا رَبِّ الأربابِ یا إِلَهَ الإلَهِةِ یا مَلِکَ المَلُوکِ یا سَیِّدَ السَّادَاتِ اِسْفِنِی
بِشِفَائِکَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ فَإِنِی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ الْقَلْبُ فِی قَبْضِکَ^(۱۰۴)

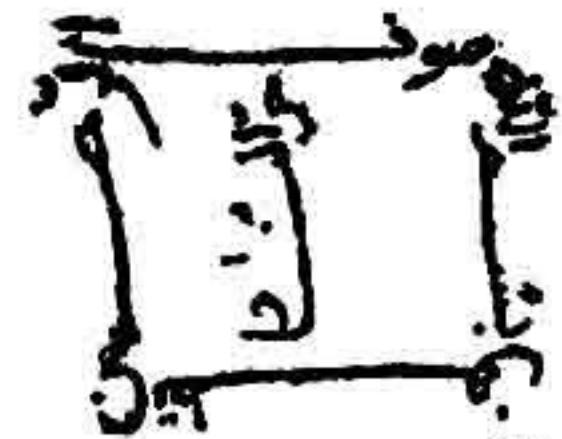
طریفة: فی الحدیث إذا توضّأت بعد الطّعام فامسح عینک بفضّل ما فی یدیک
فإنه أمانٌ من الرّمّد^(۱۰۵)

طریفة: فی کتاب مکارم الاخلاق روی انّ من دَعَا بهذا الدُّعَاء عقیب کُلّ فریضة و
واظب علی ذلک عاش حتّی یحلّ الحیوة و یتشرّف بقاء صاحب الامر علیه السلام: «اللّهُمَّ
صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللّهُمَّ اِنَّ رَسُوْلَكَ الصّادِقَ المصدّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَیهِ وَ آلِهِ
قال اِنَّکَ ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره
الموت و أکره مسائته صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ لأولیائک و لنا الفرج و
النصر و العافیة و لا تسوئنی فی نفسی و لا فلان و تذر ما شئت^(۱۰۶)

طریفة: کفعمی بطریق ابن مسعود از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بگیر از هر یک از
قرنفل و حرمل و کندر سفید و شکر سفید هر یک ده درهم و جمیع را بسایند مگر
حرمل را که او را بدست بسایند و جمیع را مخلوط کند و به وقت خواب بقدر
درهمی از آن تناول کنند که موجب قطع بول و قطع بلغم می شود.

طریفة: و از لفظ الفوائد نقل شده که هر که اراده داشته باشد که حفظ او بسیار و نسیانش کم شود باید هر روز یک مثقال زنجبیل مربی بخورد. (۱۰۸)

طریفة: ابی اسماة از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده برای دفع هر حرارتی که از جهت سر کسی را عارض شود شروع کن بنوشتن مربعی در حالی که در وسط آن لفظ حرّ النار نوشته باشی بر این صورت بعد از آن بگفتن بسم الله و صلی الله علی محمد النبی و نوشتن اذان و اقامه در رقعہ و بستن از رقعہ بر آن کس که حرارت و درد دارد در ساعت باذن الله عزوجل ساکن خواهد شد و این نیک مجرب است.



طریفة: از حضرت امیر علیه السلام مروی است که فرمودند العناب یذهب بالحمى ^(۱۰۹). ایضاً از خبری منقول از حضرت علیه السلام مستفاد می شود آنکه هرگاه عناب را با هسته آن کوفته و در چشم کشند بجهت سفیدی چشم نافع خواهد بود. (۱۱۰)

طریفة: از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است آنکه گفتن نود و چهار مرتبه «یا غنی» بعد از نماز صبح هر روز موجب کشف اسرار کیمیا و سیمیا خواهد بود.

طریفة: در خزائن نراقی (ره) آورده از حضرت صادق علیه السلام مروی است آنکه هرگاه امری مشکل شد بر تو پس در وقت زوال دو رکعت نماز بجای آور و بخوان در رکعت اولی فاتحة الكتاب و قل هو الله و انا فتحنا تا و ینصرك الله نصراً عزیزاً، و در رکعت ثانیه بخوان فاتحة الكتاب و قل هو الله احد و ألم تشرح، و مرحوم حجة الاسلام حاجی ملا محمد الشرقی قدس الله سره الصفی در کتاب خود می فرماید

بعد از بیان این نماز و حاجت بخواد بعد از نماز و اگر در قنوت و در سجود آخر و بعد از فراغ از نماز بخواند انشاء الله تخلف ندارد و در بعضی از کتب معتبره در ذیل روایت دارد که عمل مذکور بتجربه رسیده و در نسخه ای دیده شده آنکه بعد از سورة ألم تشرح بقیه سورة فتح را بخواند و الله العالم.

طریفة: قیل آنکه هرگاه کسی را مهمی روی دهد و خواهد بزودی کفایت شود باید بصحرائی رود که در آن آدمی نباشد و خطی در گرد خود بکشد و رو بقبله متواضع بنشیند و هفتاد مرتبه آیه الكرسي را تا و هو العلی العظیم بخواند بی شک در همان روز حاجت او بر آید و هذا مجرب و مؤثر لا شک و لا ریب فيه و الله العالم.

طریفة: یکی از علماء رضوان الله علیه نوشته آنکه در هر یک از چاشت و عصر و ثلث آخر شب گفتن شصت و شش بار کلمه مبارکه الله را بجهت رواشدن مطالب مجرب است و الله العالم.

طریفة: فی الرسالة المنسوبة الی امیرالمؤمنین علیه السلام من کتب مائة و عشرين سیناً يوم الجمعة و حمله معه لم یقدر احد علی مقاومته و صارت افعالها مستحسنة عند الخلائق و إن کان بعیدا عن الأهل و الوطن رجع سالماً و هابة الناس و انعقد علیه لسانهم و لیکن عند الكتابة ذاکراً لهذین الإسمین و هما «یا علیم یا معید» و ایضاً قالوا کل اسم فيه سین مثل یا سلام یا حسیب فلیکتب و لیضع تحت و سادته فإنه یری ما یرید فی المنام.

طریفة: و فیها ایضاً من کتب إحدى عشرة «هـ» و حمله معه اطلع علی اسرار الغیب و انکشف علیه العلوم الخفیة و وصل إلى کل مطلوب و کل ما ذکر فی خواص الحروف فهو فی هذا الحرف وحده و لیکن ذاکراً لهذین الاسمین وقت الكتابة و هما

طریفة: قیل کُل اسم فیہ الیاء مثل «یا حَکیم یا عَظیم» یکتب عَشرین مرّة و یغسل بماء و یفطر به فَإِنَّه ینکشفُ به اسرار غریبه و شاهد عجائب کثیرة.

طریفة: قیل آنکه اهل معرفت علّت غائبة خلقت می باشند بجهت حدیث «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف...» اخ (۱۱۱)

طریفة: قیل روی عن مولانا امیرالمؤمنین عليه السلام القلوب اربعة صدر و قلب و فؤاد و لب ، فالصدر موضع الاسلام قال تعالى «فَمَنْ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (۱۱۲) وَالْقَلْبُ مَوْضِعُ الْإِيمَانِ قال الله تعالى «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» (۱۱۳) و الفؤاد موضع المعرفة قال الله تعالى «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (۱۱۴) وَاللَّبُّ مَوْضِعُ الذِّكْرِ قال الله تعالى «وَلْيَذْكَرُوا أُولُو الْأَلْبَابِ» (۱۱۵).

طریفة: قیل روی عن مولانا الصادق عليه السلام الخشية ميزان العلم و العلم شعاع المعرفة و قلب الايمان و من حرم الخشية لا يكون عالما و ان يشقّ الشعر لمتشابهات العلم.

طریفة: قیل ذکر عند مولانا الصادق عليه السلام قول النبی صلى الله عليه وآله النظر الى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ فَقَالَ عليه السلام هُوَ الْعَالِمُ الَّذِي إِذَا نَظَرْتَ إِلَيْهِ ذَكَرَكَ الْآخِرَةَ وَ مَنْ كَانَ عَلِيَّ خِلافِ ذَلِكَ فَالنَّظَرُ إِلَيْهِ فِتْنَةٌ (۱۱۶).

طریفة: گویند هر که صبح از خواب برخیزد و نظر بر فیروزه اندازد در آن روز مکروهی بوی نرسد و در غایت فرح و نشاط باشد و نیز گفته اند که در فیروزه نگریستن موجب درازی عمر باشد و روشنائی چشم را بیفزاید و حکماء چون ماه نو بینند نظر بر فیروزه کنند و هر که فیروزه را با خود دارد خوابهای پریشان نبیند و

دشمن بر وی ظفر نیابد و از هیچ آفریده ای نترسد و پیش سلاطین و حکّام و زمرة خلایق عزیز و مکرم باشد.

طریفة: قیل قال رسول الله صلى الله عليه وآله و لیحرص کل مؤمن و مؤمنة أن لا یخرج من الدنیا حتّی تمتّع فی عمره و لو مرّة واحدة فَإِنَّ رَبِّي جَلَّ جلاله أَلِيَّ عَلِيٍّ نَفْسُهُ أَنْ لا یعذب ممتعا او متمتعة بالنار فمن تمتع مرّة واحدة أمن من النار و من تمتع مرّتين حشر مع الأبرار و من تمتع ثلاث مرّات زاحمى فى الجنة و من زاد زاده الله علواً و رفعة.

طریفة: فی کتاب احقاق الحقّ بعد ما نقل تصریح کثیر من العلماء بتشیع مأمون علیه اللعنة و العذاب أنّه عبّر عن عمر بن الخطّاب ما يجعل عند الرّدّ علیه و الاضرار علیه فی نهيه عن حلّ المتعة.

طریفة: در اخبار اهلبیت عليهم السلام وارد شده آنکه خداوند تعالی حرام کرد بر مؤمن مسکرات را و در عوض آن حلّیت متعه را قرار داد (۱۱۷)


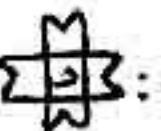
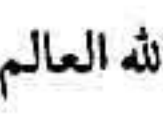
طریفة: و در بعضی از کتب منقول است که هر که را مهمی باشد برای کفایت آن و حصول مراد سورة مبارکه حمد را باین نحو بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ بعد از آن سه مرتبه سورة شریفة توحید را بخواند و بعد بگوید «اللَّهُمَّ كَمَا جَمَعْتَ بَيْنَ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ وَ أَعْمَالِكَ فَاجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ» و بعد از آن این دعاء سورة را از آنجا تمام کند البته حاجتش روا می شود انشاء الله تعالی.

طریفة: قیل النّعمة نعمتان نعمة نفع و نعمة دفع كالأموال و الاوالاد و صرف

الحوادث هذا في النعمة الدنيوية واما النعمة الاخروية فهي ايضاً ضربان نعمة التوفيق و نعمة العصمة.

طريفة: گویند جاهائیکه کوه است هوای او سرد شود زیرا که هوای زمهربر متداخل می شود با هوای آن کوهها و بطور اتصال بپائین میرسد و مخلوط هوای سفلی می شود.

طريفة: گویند شکل خاتم سليمان عليه السلام که در کتب طلسمات خواص عبدالله ای از برای او نوشته اند و خصوصاً از برای هفت عدد آن بدین گونه است:  و بعضی گویند چنین است:  و بعضی گویند بدین نحو است:  و الله العالم. طريفة: في الدرّ النّظيم أنّ من كتب اسم ذوالطول سبع مرّات او كتب آخر حرف منه ثلاثين مرّة في السّاعة السّابعة من سابع الشّهر بنبیّة ما يرومه على ذكر و طهارة يسّر الله تعالى له بلوغ ما يرومه انشاء الله تعالى.

طريفة: ايضاً فيه وفي حرز الأمان أنّ اسم ذوالقوة من كتب حروفه مقطّعة وهي ذوالقوة ستّ مرّات و كتب الحرف الثّاني و السّادس ستّ مرّات في ورقة في السّاعة الثّانية من يوم الجمعة و علّقه من به صداع من الثّيبوسة يبرأ باذن الله تعالى و تزول عن حامله علة النّسيان.

طريفة: ايضاً فيه أنّه لو كتب اسم الودود خمسة و ثلاثين مرّة و كتب معه محمّد رسول الله صلّى الله عليه و آله و ايضاً احمد رسول الله صلّى الله عليه و آله بالعدد المذكور و كانت الكتابة بعد صلوة الجمعة يسّر الله تعالى لحاملها و وقّعه لأفعال الخير و متابعة النّبيّ صلّى الله عليه و آله و سلّم من همزات الشّياطين.

طريفة: بعضی معنی صلوات را تعظیم و تمجید گرفته اند و ابن اثیر در نهایه

چنین گفته و سید ابن طاوس رحمته الله در جمال الاسبوع روایت فرموده از عبدالرحمن بن کثیر که گفت سؤال کردم امام عليه السلام را از معنی صلوات ، آن حضرت فرمودند که: صلوات خداوند تزکیه نمودن است آن جناب را در آسمان ، عرض کردم معنی تزکیه خداوند تعالی چه می باشد ؟ فرمودند دور کردن آن حضرت را از هر نقصی و آفتی که لازم مخلوقات است ، گفتم که معنی صلوات مؤمنین چیست ؟ فرمودند که او را دور گردانند از آفتها و نقصها و چنان بدانند که خداوند او را دور گردانیده است از آنچه در مخلوقات است از آفتها و نقصها در خلقت ایشان بهم می رسد پس هر که او را وصف بنماید و بشناسد بغیر این نحو بر او صلوات فرستاده ^(۱۱۸) .

طريفة: راقم آثم گوید صلوات بر آنحضرت صلّى الله عليه و آله از خالق و خلق دو مصداق دارد یکی لفظی و وصفی و یک وجودی و عینی ، لفظی و وصفی آن واضح است ، اما وجودی و عینی آن از خالق پس آن افاضه کمالات علمیه الهیه است بر آن حضرت ابد الابدین و عدم اتّفاق بر یک مرتبه از علم و عدم صعود که بلحاظی نقص است و از خلق آن است که شخص مسلم خود را از آفات جهلیّه و نقصیه دور گرداند که فی الواقع دور گردانیدن آنحضرت است از آنها بمتفضیلات تبعیت شعاعیه و ظلّیه فتأمل تفهم.

طريفة: از حضرت ابی الحسن عليه السلام نقل است که فرمودند: «مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءٌ ظَهْرُهُ يَنْفَعُ لَهُ الْعَسَلُ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ» ^(۱۱۹) .

طريفة: از حضرت رسول صلّى الله عليه و آله مروی است که فرمودند مَنْ شَرِبَ الْعَسَلَ فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً يَرِيدُ مَا جَاءَ بِهِ الْقُرْآنُ عَوْفِي مِنْ سَبْعٍ وَ سَبْعِينَ دَاءً ^(۱۲۰) .

طريفة: از حضرت باقر عليه السلام مرویست که فرمودند: وَيَحْكُ يَا زُرَّارَةَ مَا اغْفَلَهُ

النَّاسَ عَنْ فَضْلِ السُّكَّرِ الطَّبْرُزْدِ وَهُوَ يَنْفَعُ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً وَهُوَ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلًا ارْ
يَقْلَعُهُ بِأَصْلِهِ (۱۲۱) ، مراد از سکر طبرزد قند یا نبات سفید است چه طبرزد بفارسی
بمعنی سفید است.

طریفة: از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند اربعة اشياء تجلو البصر
وینفعن ولا یضررن ، فسئل عنهن ، فقال علیه السلام السعتر والملح اذا اجتماعا والتانخواه
والجوز إذا اجتماعا (۱۲۲) .

طریفة: روی ان الصادق علیه السلام قال: ماء زمزم شفاء من كل داء قال الراوی واطنه
قال کائنا ما کان ، لان رسول الله صلی الله علیه و آله قال ماء زمزم لما شرب له. (۱۲۳)

طریفة: در روایتی است که حضرت رضا علیه السلام به زکریا ابن آدم رضی الله عنه
فرمودند که بگو بر جمیع علل: «یا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ انزِلْ عَلَيَّ وَ جِئِي
الشِّفَاءَ» و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند:
دعای مکروب در شب و روز این است «یا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ
انزِلْ عَلَيَّ مِنْ شِفَائِكَ لِكُلِّ مَآبِي مِنَ الدَّاءِ» (۱۲۵)

طریفة: حلبی از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: من اعجبه
شیئاً من اخيه المؤمن فليمئد عينه فإن العين حق یعنی هر که را بعجب در آورد
چیزی از برادر مؤمنش باید که سرمه کشد چشم خود را زیرا که عین حق است
بعضی از محققین فرموده اند که سر این معنی آن است که تأثیر عین چنانکه مقرر
شده بواسطه خبائث عریکه عین و ردائت مزاج نور باصرة و انحراف او از مرتبة
اعتدال است و لهذا این اثر بر عیون مائله از اعتدال بزرقتی یا خضرتی یا صفرتی یا
شدت سوادى مثلاً ترتب دارد چنانکه مشاهد و معاین است و چون سرمه معدل

نور باصرة و مقوی عین است می تواند بود که بماله من تلك الخاصية مضعف آن اثر
یا مانع آن باشد.

طریفة: در بحار آورده در طریفة نماز حاجت آنکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی
است اینکه کسی که در روز پنجشنبه چهار رکعت نماز بجای آورد و قرائت کند در
رکعت اولی سورة حمد را یک مرتبه و بازده مرتبه سورة قل هو الله احد و در رکعت
ثانیه یک مرتبه حمد و چهل و یک مرتبه قل هو الله احد و در ثالثة حمد یک مرتبه و
سی و یک مرتبه قل هو الله احد و در رابعة حمد یک مرتبه و چهل و یک مرتبه قل
هو الله احد و هر دو رکعتی بیک سلام باشد و چون از سلام رکعت چهارم فارغ گردید
پنجاه و یک مرتبه سورة قل هو الله احد را بخواند و پنجاه و یک مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» بعد از آن بسجده رود و در سجده بگوید «یا الله یا الله
یا الله» صد مرتبه و دعاء کند به آنچه خواسته باشد و آن حضرت فرمودند کسی که
این نماز را بجا آورد و بگوید این قول را هرگاه از خدا بخواهد زوال کوه ها را هر آینه
زائل خواهد شد یا نزول باران را هر آیه نازل خواهد گردید و اینکه حجابی میان او و
میانة خدا نخواهد بود و اینکه خداوند تعالی هر آینه البتہ غضب خواهد کرد بر
کسیکه این نماز را بجا آورد و حاجت خود را سؤال نکند (۱۲۶)

طریفة: فی کتاب الکلم الطیب لتضاء الحاجات و دفع البلیات یقرء سورة
الاخلاص احدی و سبعین مرّة و لا یتکلم بینهنّ فانه مجرّب.

طریفة: فی رسالة از جمله دعاهاى عظیم القدر مجرّب برای دفع شدائد و مکاره
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ
مُوسَى علیه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ عِيسَى علیه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ